



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۳۸

جمعه ۲۶ شهریور ۱۴۰۰ - ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۱

آغاز سال تحصیلی و گسترش مبارزات برای خواستهایمان

سال تحصیلی جدید بزودی شروع میشود، و اعتراضات معلمان از هم اکنون شروع شده است. معلمان و تشکل های کارگری و بخش های مختلف جامعه با بیانیه های مختلف به استقبال سال تحصیلی جدید رفته اند. بیانیه های متعدد علیه لاقیدی کامل حکومت در قبال دانش آموزان و معلمان، عدم کوچکترین تمهیدی برای جلوگیری از ابتلای دانش آموزان و پرسنل مدارس به کرونا، عدم تامین کوچکترین امکانات تحصیلی از طریق آنلاین، عدم پاسخگویی به مطالبات تلمبار شده معلمان و عدم تامین هیچ نوع کمکی به خانواده هایی که درآمدی برای هزینه های مختلف تحصیل فرزندانشان ندارند، منتشر شده است. این بیانیه ها کیفرخواستی علیه سیاست های حکومت در قبال آموزش و پرورش ضد کودک و ضد معلم و کیفرخواستی علیه کل نظام است و فضای پر تحرک اعتراضی را در شروع سال تحصیلی نشان میدهد.

اگر در بسیاری کشورها با شروع کرونا اقدامات متعددی در دستور گذاشته شد و با واکسیناسیون وسیع و اقدامات لازم دیگر از جمله فاصله گذاری های لازم، دانش آموز و معلم و دانشجو با دغدغه کمتری مدرسه و دانشگاه را شروع میکنند و شور و امید و

ادامه در صفحه ۲

یاد فراز عزیز

برای همیشه گرامر ما!

در این شماره انترناسیونال:

- شماره صفحه:
- ۱ و ۲ آغاز سال تحصیلی و گسترش مبارزات برای خواستهایمان. حزب کمونیست کارگری ایران
- ۳ مقدراتمان را خودمان در دست بگیریم. سیاوش مدرسی
- ۴، ۵ و ۶ گفتگوی انترناسیونال با شیرین شمس مسئول نهاد "انقلاب زنانه"
- ۷، ۸ و ۹ قلب فراز آزادی عزیز از حرکت باز ایستاد!
- ۹ در یکمین سالروز درگذشت بهروز مهرآبادی عزیز، یادش را گرامی می داریم.
- ۱۰، ۱۱ و ۱۲ کنفرانس در حمایت از کارگران نفت با تاکید بر بایکوت جهانی جمهوری اسلامی. مصاحبه با شهلا دانشفر و کاظم نیکخواه
- ۱۳، ۱۴ و ۱۵ کمونیسم کارگری و آزادیهای فردی. مصاحبه با حمید تقوانی
- ۱۶ گزارشی از اعتراض علیه طالبان و دولت های حامی آن در مقابل کنسولگری پاکستان در تورنتو. بابک یزدی
- ۱۷ و ۱۸ از مدیای اجتماعی حزب
- ۱۹، ۲۰ و ۲۱ اطلاعیه های حزب

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

ادامه از صفحه ۱

” هر نوع شهریه و اخاذی از خانواده ها باید ممنوع گردد. کتب درسی و لوازم التحریر باید رایگان شود. خصوصی کردن مدارس باید فوراً متوقف و ممنوع شود و کیفیت آموزش و ایمنی مدارس در همه جا به سرعت تضمین شود. کتب درسی باید غیر مذهبی شود، اسلامی کردن مدارس و مسجد سازی در مدارس ممنوع شود و طلبه ها و آخوندها از مدارس بیرون انداخته شوند. خانواده هایی که امکان مالی فرستادن کودکان خود را به مدارس ندارند کمک هزینه دریافت کنند. در تمام محلات باید به اندازه کافی مدرسه تامین شود. ایاب و ذهاب دانش آموزان به مدرسه باید کاملاً ایمن و رایگان باشد. حق شهروندی برابر و دسترسی یکسان به آموزش برای کلیه واجدین تحصیل، اعم از مهاجر و غیر مهاجر باید تامین گردد و دخالت نزدیک و روزمره خانواده ها بر امر آموزش فرزندانشان عملی شود. یک آموزش و پرورش سکولار، شاد و انسانی و بدون تبعیض حق کودکان و مردم است و باید برای تحقق آنها این نیروی عظیم اجتماعی را سازمان داد.“

کودکان را نیز با فضولات اسلامی بهم بریزند. جداسازی کودکان بر اساس جنسیت نیز به تنهایی یک محرومیت عمیق و یک فاجعه عظیم است که به کودکان تحمیل کرده اند. و اکنون با روی کار آمدن ریسی، میخواهند مدارس را مذهبی تر کنند و مقررات سختگیرانه تری علیه معلمان شروع کنند تا بتوانند مغزشویی بیشتری را به دانش آموزان تحمیل کنند.

اما فضای پر تحرک جامعه ایران، تجمعات اعتراضی وسیعی که در میان معلمان جریان دارد، بیانیه های معلمان و تشکل ها و فعالین مختلف اجتماعی، تجمعات اعتراضی بیسابقه و وسیع دانش آموزان در اردیبهشت امسال و خشم و نفرت عمیق میلیون ها خانواده علیه کل وضع موجود، آن نیروی عظیمی است که برای مقابله با کل فاجعه حاکم بر آموزش و پرورش به حرکت در آمده است. این نیروی عظیم را باید حول خواست های دانش آموزان و معلمان سازمان داد.

همانطور که در بیانیه معلمان و فعالین اجتماعی تاکید شده حکومت باید گوشه هوشمند و اینترنت رایگان را برای دانش آموزان و معلمان تامین کند و در هر مقطعی از سال اگر قرار بر بازگشایی مدارس باشد باید تمام معلمان و دانش آموزان بالای ۱۲ سال واکسینه شوند. بازگشایی مدارس بدون توجه به تزریق واکسن مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی و بدون واگذاری هر میز و نیمکت تنها برای یک دانش آموز، تأمین و توزیع روزانه ماسک و مواد ضد عفونی کننده برای دانش آموزان و معلمان، باید ممنوع شود.

بعلاوه باید با صدای رسا اعلام کرد و بر این خواستها تاکید کرد که هر نوع شهریه و اخاذی از خانواده ها باید ممنوع گردد. کتب درسی و لوازم التحریر باید رایگان شود. خصوصی کردن مدارس باید فوراً متوقف و ممنوع شود و کیفیت آموزش و ایمنی

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ شهریور ۱۴۰۰

۱۵ سپتامبر ۲۰۲۱

تبعیض حق کودکان و مردم است و باید برای تحقق آنها این نیروی عظیم اجتماعی را سازمان داد.

سال تحصیلی جدید را به سال اتحاد و همبستگی هرچه بیشتر میان دانش آموزان، معلمان و خانواده های دانش آموزان، به سال دور هم جمع شدن و متشکل شدن و گسترش مبارزه برای این خواستها تبدیل کنیم.

شود. ایاب و ذهاب دانش آموزان به مدرسه باید کاملاً ایمن و رایگان باشد. حق شهروندی برابر و دسترسی یکسان به آموزش برای کلیه واجدین تحصیل، اعم از مهاجر و غیر مهاجر باید تامین گردد و دخالت نزدیک و روزمره خانواده ها بر امر آموزش فرزندانشان عملی شود. یک آموزش و پرورش سکولار، شاد و انسانی و بدون

مدارس در همه جا به سرعت تضمین شود. کتب درسی باید غیر مذهبی شود، اسلامی کردن مدارس و مسجد سازی در مدارس ممنوع شود و طلبه ها و آخوندها از مدارس بیرون انداخته شوند. خانواده هایی که امکان مالی فرستادن کودکان خود را به مدارس ندارند کمک هزینه دریافت کنند. در تمام محلات باید به اندازه کافی مدرسه تامین

مقدراتمان را خودمان در دست بگیریم در حاشیه سونامی گرانی و فقر



سیاوش مدرسسی

لازم نیست روزنامه‌ها را ورق بزنیم! احتیاج نیست به تحلیل و تفسیر کارشناسان در نصیحت دولت "السلام علیکم یا ابا عبدالله!" گوش کنیم. تازیانه گرانی را مردم هر روز که چشم باز میکنند بر پیکر در هم شکسته دخل و خرجشان احساس میکنند، در گرسنگی، در بی‌مسکنی و "کویر نشینی"، "گور خوابی"، "پشت‌بام خوابی" و زباله گردی کودکان و "سالمدان دوره‌گرد" در تشویش روزانه گرانی برق، آب، هزینه بهداشت خانواده و... هر آنچه که نامش زندگیست!

احتیاج نیست مقصر را آن دارودسته امنیتی‌ها و حلقه بگوش خامنه‌ای فرض کنیم یا این یکی به ریاست سلاخی که هنوز دستهای خونینش را هم نشسته!

گرانی بیداد میکند و مبلغین این یا آن مافیای حکومتی انگشت اتهام را رو به همدیگر میگیرند، تحلیلهای آیکی و احمقانه صادر میکنند تا خوراک مختصری برای کارشناسان و متخصصین و تحلیلگران رسانه‌های داخل و خارج فراهم کنند ساعتها در موردش روده درازی کنند! و نصیحت کنند و یاوه بیاوند و مایه جمع کنند!

تحلیل عجیبی لازم نیست، با نگاه اشاره هم میشود فهمید که یکجا فقر تلنبار شده و جای دیگر ثروت! یک طرف میلیاردها دلار خرج مضحکه غنی‌سازی اورانیوم و به اصطلاح موفقیت اتمی لات و لوتها و قمه‌کش‌ها

میشود، روزمره کاخ‌های میلیاردی قارچ وار سبز میشود، نکبت‌زاده‌ها با گرانتترین اتومبیلها در خیابان رژه میروند و از همه مهمتر همین طرف روزانه و با بستن مالیات بر ارزاق عمومی، جیب تهی کارگران و بازنشستگان را سوراخ میکنند و پول انبار میکنند.

و این طرف ما، صف کارگران مزد دریافت نکرده و بیکاران که قبلاً صندوق بیمه بیکاری چپاولشان کرده، معلمان، کارمندان و پرستاران و هرکس که برای داشتن یک ریال جان

میکند و عرق میریزد، فرزندان ما که زباله‌گردی میکنند تا معاش خانواری را تأمین کنند، سالمندانی که در دوران فرسودگی شان کوچه‌گردی میکنند، گدایی میکنند و یا تا کمر در جستجوی نان سر در سطلهای آشغال کرده‌اند تا سیر شوند.

بله! دیگر تازیانه فقر و ثروت هر ثانیه بر پیکر جامعه ۸۰ میلیونی فرود می‌آید و به ریتم روزانه زندگی در جامعه اسلام زده، اعدام زده، شکنجه زده و کرونا زده تبدیل شده است.

و این شاهراه اسلامی ایست که سران آن به سرعت جامعه را به قهقرای نابودی و تسلیم میکشاند تا علم و کتل اقتدار نظام الهی شان را بر فرق سر بشریت بکوبند.

بله درست است بیکاری و فقر محصول اجتناب ناپذیر نظام سرمایه‌داری است و جامعه مبتنی بر انباشت ثروت نیازمند آن، اما این فرمول به تنهایی جوابگوی آنچه که در ایران اسلامی میگذرد نیست!

مسبب این وضع نه دولت آمریکا است، نه دولت

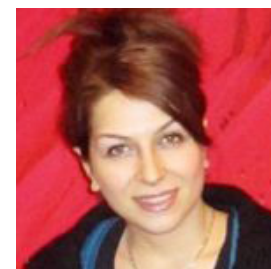
”مسبب این وضع نه دولت آمریکا است، نه دولت اسرائیل، نه موی برهنه زنان، نه نوید افکاری و لشکر جانباختگان! مسئول حکومت و دولت مردانی هستند که غرق در شادی و ثروت می‌لبنانند!“

اسرائیل، نه موی برهنه زنان، نه نوید افکاری و لشکر جانباختگان! مسئول حکومت و دولت مردانی هستند که غرق در شادی و ثروت می‌لبنانند! کلیت نظام است، این را هم همه میدانیم. بهای این وضع را باید کسانی بدهند که مسبب آن هستند! متحد شویم، سرنگونشان کنیم، به محاکمه‌شان بکشانیم، اموالشان را مصادره کنیم و مقدراتمان را خودمان در دست بگیریم.

جمعه ۲۶ شهریور ۱۴۰۰ - ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۱



درباره بیانیه ۱۸ شهریور "روز مبارزه برای حق ورود زنان به استادیوم" گفتگوی انترناسیونال با شیرین شمس مسئول نهاد "انقلاب زنانه"



شیرین شمس

انترناسیونال: شما عنوان پیشنهاد دهنده ثبت این روز و یکی امضا کنندگان بیانیه ۱۸ شهریور چه هدفی از این اقدام دنبال میکردید و میکنید؟

شیرین شمس: ما امضا کنندگان بیانیه "۱۸ شهریور" قصد داشتیم که به یاد سحر خدایاری دختر آبی و به پاس مبارزه نفس گیر، برای حق ورود زنان به استادیوم، یک روز را ثبت و اعلام کنیم تا یادآور شویم که چه مبارزه ای علیه تفکیک جنسیتی و علیه تبعیض جنسیتی سازماندهی شده و حکومتی در ایران، صورت گرفته و چه زنانی با جسارت و شجاعت و مقاومت در این مبارزه قدم برداشتند و حتی جان خودشان رو از دست دادند.

ما در حال حاضر؛ در سال ۱۴۰۰، و در این سیر پرشتاب تحولات و اتفاقات در ایران و خاورمیانه و جهان، تلاش کردیم یاد سحر خدایاری به فراموشی سپرده نشود؛ یاد زنی که در عنفوان جوانی، عرصه زندگی و گذر زمان در روز و شب چنان برای او تنگ میشود که دست به خودسوزی زده و جان خود را از دست میدهد.

انترناسیونال: اهمیت اعلام روز مبارزه برای حق ورود زنان به استادیوم در فضای سیاسی حاضر چیست؟

شیرین شمس: تاکید بر اینکه در ایران حکومتی نرینه سالار بر سر کار هست که برای روی کار آمدن و ماندن، از همان ابتدا سیاست اسلامیزه کردن

جامعه را در دستور خود قرار داده است. حکومتی که هرگز حکومت مطلوب و مقبول مردم ایران نبوده و نیست، و با چماق اسلام این ایدئولوژی زن ستیز به جان زنان سپس به جان جامعه افتاد.

به نظر من سیاست اسلامیزه کردن جامعه ایران در ابتدا مثل سیاست هر نماینده دیگر اسلام سیاسی، با حمله به مدنیت و حمله به حقوق زنان آغاز شد. دقیقاً مثل همین فاجعه ای که امروز دارد توسط طالبان به سرعت پس از دست یابی به قدرت سیاسی اتفاق می افتد. یادآوری مبارزاتی که در طول این ۴۲ سال در مقابل این سیاست و حکومت آپارتاید جنسی شده و تاکید بر اینکه سحر خدایاری یکی از سمبل های این مبارزه بوده است، ضروری و مهم است.

در این مسیری که مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی طی میکنند نقش جنبش رهایی بخش زن که از همان ۸ مارس ۵۷ به عنوان اولین جنبش اعتراضی مقابل جمهوری اسلامی ایستاد می بایست برجسته شود؛ همچنین تاثیر مبارزه با تفکیک و تبعیض جنسیتی که یک عرصه مهم در مبارزه با حکومت زن ستیز اسلامی است و مبارزه برای ورود زنان

جامعه، همچنین حذف زنان از سطح جامعه و عرصه های مختلف فعالیتی را در پی داشته است. تحت جمهوری اسلامی ممنوعیت ها و محدودیتها برای زنان یکی پس از دیگری به قانون نوشته و نانوشته تبدیل شدند و اهرم های سرکوب آن با نیروی انتظامی و امنیتی به جان زنان افتادند.

بنابراین مبارزه برای حق ورود زنان به استادیوم، مبارزه با سیاست اسلامیزه کردن و تفکیک و تبعیض جنسیتی است و به دیگر حقوق زنان کاملاً مربوط می باشد. مبارزه برای حق ورود زنان به استادیوم مبارزه با حذف زن از جامعه است. مبارزه با سانسور زن است، مبارزه با کالا انگاری زن است، مبارزه با بردگی جنسی است، مبارزه برای کرامت و منزلت هم زن و هم مرد است.

وقتی حکم صادر کردند و به زنان گفتند که حق ورود به یکی از اماکن عمومی را ندارید، یعنی همان قانون جمهوری اسلامی که زن را نصف مرد محسوب میکند و به شوهر طبق قانون تمکین اجاره میدهد به زن تجاوز کند، همان قانونی که حق طلاق به زن نمیدهد، همان قانونی که حق حضانت فرزند نمیدهد، حق سفر نمیدهد، حتی میتواند حق اشتغال و تحصیل را از او بگیرد، به شکلی دیگر در استادیوم ها نیز پیاده میشود.

حقوق زنان همه جانبه و در هم تنیده است. محدودیت و ممنوعیت در یک حق، فقط یک حق ابتدایی و طبیعی، راه را برای ممنوعیت و محرومیت های دیگر باز میکند. جمهوری اسلامی تفکیک جنسیتی را به بهانه پوچ تامین امنیت زنان پیاده کرد و تنها هدفی

ادامه از صفحه ۴



سیاسی رسید. سحر خدایاری نماد انقلاب زنانه در ایران است که حکومت جمهوری اسلامی را به زانو در آورده.

انترناسیونال: برای باز کردن درب استادیوم های ورزشی به روی زنان در ایران چه اقدامات دیگری چه در سطح کشوری و چه در بعد جهانی لازم است؟ شما چه رهنمود یا راهکارهایی را توصیه می کنید؟

شیرین شمس: در ابتدا باید اعلام کنم که من مسئول کشته شدن سحر خدایاری را جمهوری اسلامی میدانم و معتقدم جمهوری اسلامی با اعدام یا با شلیک مستقیم گلوله به سر یا با شلیک عمدی و مستقیم موشک سیاه به هواپیمای مسافربری، میکشد یا غیر مستقیم و با اعمال قوانین زن ستیز اسلامی باعث کشته شدن سحر خدایاری و هما دارایی (معترض به حجاب اجباری) و ده ها و صدها زن دیگر شده که شاید هرگز اسمشان شنیده نشد.

بنابراین دادخواهی جان سوخته سحر باید در جنبش دادخواهی برجسته شود. از آن قاضی که حکم حبس برای سحر صادر کرده تا شخص خامنه ای که نقش زن را خانه داری و بچه داری و شوهرداری

جهانی است. در بعد جهانی اعتراض به فیفا و دیگر سازمانهای بین المللی باید افزایش یابد و خواست بایکوت ورزشی جمهوری اسلامی باید به اشکال مختلف روی این سازمانها فشار بیآورد تا جایی که مجاب به انجام آن شوند. حکومتی که در قرن ۲۱ ساز و کاری ایجاد کرده که درب های یک مکان عمومی به روی زنان بسته است باید در جهان طرد و منزوی شود.

انترناسیونال: با سپاس از شما

جمعه ۲۶ شهریور ۱۴۰۰ - ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۱

همین روحیه و رویکرد در هم کوبیده شود.

ر مورد ورزشکاران و تیم ها ورزشی هم انتظار می رود که جدی تر به مساله حق ورود زنان به استادیوم ها بپردازند، سکوت نکنند و اقداماتی جمعی انجام دهند. همچنین از ورزشکارانی که واکنش نشان داده اند حمایت کنند. در بعد رسانه ای هم انتظار می رود رسانه های خارج کشور به این موضوع جدی تر بپردازند و از کنار آن به سادگی رد نشوند.

اما یک بعد مهم مساله بعد

بسیج و ارادل و اوباش خود ورزشگاه را پر کند. آنچه که مهم است حضور در کف خیابان است. باید با اعتراضات وسیع و جمعی شامل زن و مرد در مقابل ورزشگاهها، روی فدراسیون فوتبال و فدراسیونهای دیگر فشار گذاشت و جمهوری اسلامی را به عقب راند. همینکه این حکومت در دوره ای با فشارهای موجود مجبور شده در استادیوم را حتی به روی تعداد محدودی زن باز کند نتیجه اعتراضات وسیع و تجمعهای پی در پی در مقابل ورزشگاهها بوده. دربرهای استادیوم ها باید با

تعریف میکند و شخص اول حکومت آپارتاید جنسیتی است باید در دادگاههای بین المللی با حضور نمایندگان واقعی مردم محاکمه شوند. بعد دیگر قضیه که باید به آن پرداخت وسعت اعتراضات در مقابل ورزشگاه ها به ویژه هنگام بازیهاست که زنان در آن حق حضور ندارند. یک دیدگاهی وجود دارد که معتقد است باید ورزشگاهها را تحریم کرد و مردانی که به ورزشگاه میروند را مقصر تلقی می کند. به نظر من تحریم ورزشگاه راه به جایی نمی برد، چرا که جمهوری اسلامی میتواند با سازماندهی

۱۸ شهریور روز "مبارزه برای حق ورود زنان به استادیوم"

ماندگار گردد.

امضا کنندگان:

۱. شیرین شمس، مسئول نهاد انقلاب زنانه

۲. دریا صفایی، فعال حقوق زنان و نماینده پارلمان بلژیک

۳. زینب صفایی، مشهور

ادامه در صفحه ۶

یاد سحر خدایاری، زنی که تبدیل به یکی از نمادهای مبارزه علیه حکومت آپارتاید جنسی شد، به پاس مبارزات زنان ایران علیه ممنوعیتها و محرومیتهای زنان، علیه بردگی جنسی، علیه هرگونه سلب اختیار از زنان و علیه کلیت نظام جمهوری اسلامی، روز ۱۸ شهریور را روز "مبارزه برای حق ورود زنان به استادیومها"، اعلام و ثبت میکنیم، تا باشد این روزی که نقطه عطفی در جنبش نوین رهایی بخش زن در ایران است، روزی برای ارج نهادن به زنان مبارز و روزی برای اعتراض گسترده علیه آپارتاید جنسیتی حاکم، در تقویم تاریخ مبارزات زنان ایران

نرفت و آنچه در تاریخ مقاومت زنان ایران در برابر نظام نرینه سالار و بردگی جنسی ثبت شد پرچمی بود که این زن مبارز بلند کرد.

بدينوسيله ما امضا کنندگان این بیانیه با گرامیداشت

نرفت و آنچه در تاریخ مقاومت زنان ایران در برابر نظام نرینه سالار و بردگی جنسی ثبت شد پرچمی بود که این زن مبارز بلند کرد.

سحر جان خود را از دست داد تا جهان از رنج زنان ایران تحت حاکمیت اسلامی به سخن آید. جان باختن سحر خدایاری بار دیگر مهر تاییدی بر این واقعیت زد که خشونت علیه زنان در ایران خشونتی ساختاری؛ قانونی، دولتی و قضایی، و در یک کلام حکومتی و جزء جدایی ناپذیر جمهوری اسلامی است.

سحر به آرزوی نرسید، سحر جان خود را از دست داد و داغ بزرگی بر دل وجدانهای بیدار گذاشت، اما یاد او هرگز از بین

روی زنان ایرانی بسته است. و سالهاست که دختران بسیاری برای داشتن حق و سهم از این مکان عمومی، مسیر پرخطری را تا از دست دادن جان خود تا کنون طی کرده اند.

خودسوزی و پرواز جگر سوز سحر فقط در اعتراض به دستگیری و حکم بازداشت به دلیل ورود به استادیوم نبود، بلکه خشم فروخورده و سالها در گلو مانده زنان ایران برای بیش از چهار دهه زن ستیزی بود.

سحر به آرزوی نرسید، سحر جان خود را از دست داد و داغ بزرگی بر دل وجدانهای بیدار گذاشت، اما یاد او هرگز از بین

روز ۱۸ شهریور ۱۳۹۸ روزی بود که زن جوانی به نام "سحر خدایاری" با هزاران امیدها و آرزوهای سوخته پس از روزها تحمل درد و رنج از خودسوزی در مقابل ساختمان بیداد سرای تهران، جان خود را از دست داد.

سحر خدایاری که به دلیل حمایت از تیم استقلال به "دختر آبی" مشهور شد، یکی از میلیونها زن در ایران بود که تحت سیطره حکومت زن ستیز اسلامی، از ورود به استادیوم ها منع شده اند.

ورود به استادیوم ها که بخشی از اماکن عمومی جامعه هستند، سالهاست به

ادامه از صفحه ۵

- به زینب پرسپولسی
۴. نرگس منصوری،
کنشگر حقوق زنان
امضا کننده بیانیه ۱۴
برای برکناری علی خامنه
ای و گذار از جمهوری
اسلامی
- سابق تیم ملی فوتسال
ایران
۷. سام رجبی، بازیکن
سابق تیم ملی ایران
۸. وحید سرلک، ملی
پوش جودو
۹. رقیه بیکدلی، فعال
حقوق زنان
۱۰. رادا مردانی، فعال
- شاعر و نویسنده
۱۹. شقایق نوروزی،
فعال حقوق زنان
۱۵. شادی امینی،
خواننده
۲۰. علی قلی لو، زندانی
سیاسی سابق و فعال
اجتماعی
۱۶. نعیمه دوستدار،
فعال حقوق زنان
۱۷. شیوا محبوبی، فعال
حقوق زنان
شاعر و نویسنده
۱۸. شاپرک شجری زاده،
فعال حقوق زنان
۱۱. رضوانه خان بیگی،
کنشگر اجتماعی و زندانی
سیاسی زن
۱۲. مینا احدی، فعال
حقوق زنان
۱۳. جاستینا، رپر ایرانی
۱۴. مهدی موسوی،

خلاصه ای از برگزاری کنفرانس انقلاب زنانه

در سطح جهانی به ویژه روی فیفا، ضرورت بایکوت ورزشی جمهوری اسلامی و اقدامات پیش رو، و ادامه مبارزه برای حق ورود زنان به استادیوم ها انجامید.

این کنفرانس بصورت زنده در تلویزیون کانال جدید و مدیریت کیان آذر، گرداندگی میثم عتیق، همکاری مهزاد خرد، هدی کریمی صدر، و نیز صدف کورش نیا و حامد جمالی و با مسئولیت انقلاب زنانه و مسئول نهاد انقلاب زنانه شیرین شمس برگزار شد.

خودسوزی او در بیدادسرای تهران، همچنین تصاویر اعلام همبستگی طرفداران صنعت نفت آبادان از دختر آبی در همان سال، حمایت تیم استقلال و طرفداران تیم داماش گیلان و نیز طرفداران فوتبال در هنگ کنگ و زنان و مردان در استادیوم کابل افغانستان در همان دو سال پیش پخش شد و به واکنش هنرمندان نیز اشاره و ترانه هایی که برای دختر آبی خوانده بودند پخش شد.

نتیجه این کنفرانس به ضرورت اعتراض جمعی و هر چه بیشتر

زنان از ایران از سخنرانان این کنفرانس درباره نقش احکام شریعه در ممنوعیت ورود زنان به استادیوم و تلاش جمهوری اسلامی برای وارونه جلوه دادن خودسوزی سحر خدایاری و سیاست نخ نمای اعتراف گیری از خانواده سحر خدایاری گفت.

شیرین شمس مسئول نهاد انقلاب زنانه و مسئول برگزاری این کنفرانس مسئولیت کشته شدن سحر خدایاری را جمهوری دانست و بر دادخواهی و بایکوت ورزشی جمهوری اسلامی و بیرون انداختن جمهوری اسلامی از سازمانها و نهادهای بین المللی از جمله فیفا تاکید کرد.

در این کنفرانس پیامهای دو فعال حقوق زن از ایران به نامهای مهسا هومهر و آزاده احمدوند پخش شد. همچنین شرکت کنندگان از اتاق کلاب هاوس انقلاب زنانه درباره ضرورت مبارزه برای حق ورود زنان به استادیوم ها، گرامیداشت یاد سحر خدایاری و نقش رهبری سیاسی انقلاب زنانه در جنبش زنان تاکید کردند.

در خلال سخنرانی ها، پیامهای تصویری از مراسم گرامیداشت یاد سحر خدایاری در محل

شدند درهای استادیوم باز نشوند گفت.

مهدی موسوی شاعر و نویسنده و فعال اجتماعی ساکن نروژ از سخنرانان این کنفرانس از تلاش جمعی برای ورود زنان و تجربه خود در همراهی کردن زنان برای ورود به استادیوم در سال ۱۳۹۱ در بازیهای مقدماتی جام جهانی آسیا گفت.

مینا احدی فعال حقوق زنان ساکن آلمان یکی از سخنرانان این کنفرانس بر نقش حکومت آپارتاید جنسیتی در ایجاد چنین شرایطی و ضرورت اعتراض به فیفا و نقش مبارزه مردمی تاکید کرد.

رادا مردانی فعال دانشجویی و معلم، زندانی سیاسی سابق از ایران، یکی از سخنرانان کنفرانس درباره اینکه خبر خودسوزی سحر خدایاری را زمانی که در زندان بوده شنیده توضیح داد.

علی قلی لو، زندانی سیاسی سابق و فعال اجتماعی از ترکیه یکی از سخنرانان این کنفرانس درباره اینکه ورزش در ایران تحت حاکمیت موجود هرگز ورزش سالم نبوده گفت.

رقیه بیکدلی فعال حقوق

روز چهارشنبه ۲۴ شهریور ۱۴۰۰، ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۱ کنفرانس درباره اعلام روز ۱۸ شهریور و گرامیداشت یاد سحر خدایاری با حضور جمعی از امضا کنندگان بیانیه ۱۸ شهریور برگزار شد.

فاطمه اختصاری شاعر و نویسنده ساکن نروژ، و از اولین زنانی که در سال ۱۳۹۱ در بازی ایران و کره جنوبی با ظاهری مردانه وارد استادیوم آزادی تهران شده یکی از سخنرانان این کنفرانس بود که از تجربه های خود و از برخوردهای خشونت آمیز و بازجویی در زندان گفت.

زینب صحافی معروف به زینب پرسپولسی از ترکیه، از زنانی که در ایران با ظاهر مردانه به ورزشگاهها میرفت یکی از سخنرانان بود که به تجربه های خود و تلاش برای باز کردن درهای استادیوم گفت و نقش فیفا را در ادامه این وضعیت برجسته کرد.

نسرین افضلی فعال حقوق زنان ساکن آمریکا، یکی از سخنرانان این کنفرانس از کمپینی که با جمعی از فعالان حقوق زن در سال ۱۳۸۴ در ایران راه اندازی کردند و امضاهای جمع آوری شده و موانع پیش رو که باعث

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

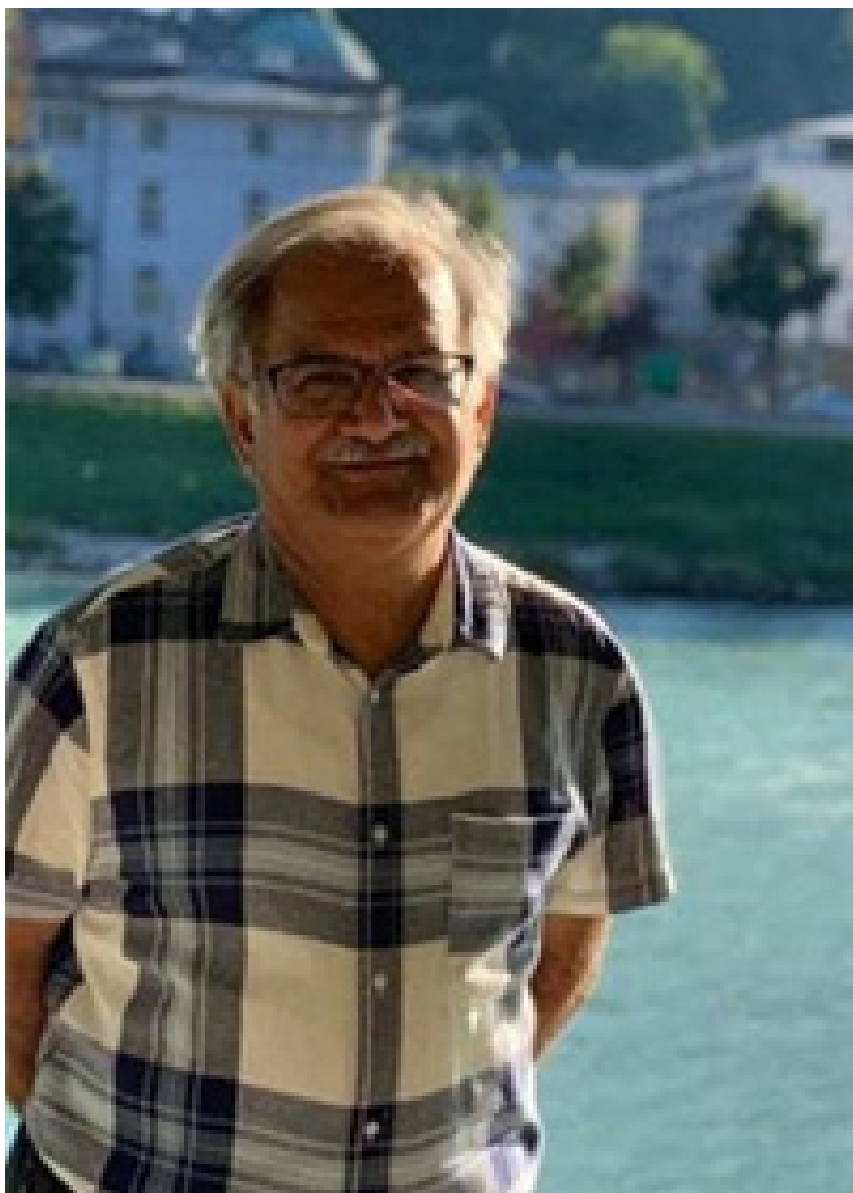
ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

قلب فراز آزادی عزیز از حرکت باز ایستاد!



انسانی و کمونیستی برای یک زندگی انسانی و برابر و مرفه برای همه تلاش کرد.

با درگذشت فراز عزیز، انسانی را از دست دادیم که در محیط خانواده، در محافل کارگری و همزمان حزبی بسیار عزیز و دوست داشتنی بود.

زندگی و مبارزه فراز آزادی عزیز، بخشی از تاریخ درخشان فعالیت آزادیخواهانه و برابری طلبانه کمونیستها در دوران سیاه حاکمیت تبهکارانه اسلامی در ایران است!

درگذشت فراز را به همراه و همزمش محبوبه و فرزندانش پویا و آرمین عزیز، به فعالین جنبش کارگری، فعالین جنبش برای آزادی و برابری و به اعضا و دوستداران حزب صمیمانه تسلیت میگوئیم. درگذشت فراز آزادی، برای تمام کسانی با او آشنا هستند، بسیار غم انگیز است. جای او برای همیشه در قلب ما و همه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب جاودان خواهد ماند.

یاد فراز عزیز برای همیشه گرامی باد!
۲۱ شهریور ۱۴۰۰، ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۱

با کمال تأسف به اطلاع میرسانیم که امروز یکشنبه ۱۲ سپتامبر، فراز آزادی (قاسم کریمی) عضو کمیته مرکزی و از کادرهای باسابقه حزب کمونیست کارگری، انسانی که زندگی را تماماً وقف تلاش برای تامین آزادی و برابری برای هموعانش کرد، بعد از مبارزه ای جانفرسا با سرطان درگذشت.

فراز آزادی که در میان همزمانش به عنوان عمو قاسم شناخته میشد، از زندانیان سیاسی اوایل دهه شصت بود و در شهرهای مختلف از جمله شهرهای جنوب کشور، کردستان و آذربایجان، افراد و محافل زیادی را با کمونیسم و حزب کمونیست کارگری آشنا کرد، با حوصله و انرژی زیادی به سوالات آنها پاسخ میداد و نشریات و ادبیات حزب را به آنها میرساند. فراز بعد از چندین دهه تلاش در زیر سلطه دیکتاتوری اسلامی در ایران ناگزیر به کشور هلند پناهنده شده بود. او یک فعال خستگی ناپذیر جنبش کارگری، جنبش برای آزادی و برابری و یک جامعه انسانی و سوسیالیستی بود که در تمام دوران حاکمیت جمهوری اسلامی، به عنوان مروجی با حوصله و پرجار در اشاعه افکار و اندیشه های

رفیق عزیزمان فراز آزادی (قاسم کریمی) بعد از چند ماه دست و پنجه نرم کردن با بیماری مهلک سرطان، درگذشت و ما را تنها گذاشت. فراز یکی از فعالین قدیمی مدافع آزادی و جامعه انسانی و ضد استثمار بود و در مناطق مختلف کشور روابط گسترده و دوستداران زیادی در میان کارگران و مردم جامعه داشت. او عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران و زندانی سیاسی سابق در حکومت اسلامی بود و از مدتی پیش به دلیل تهدیدات امنیتی به خارج از کشور کوچ کرده بود و در کشور هلند زندگی میکرد. او متأسفانه

با کمال تأسف اطلاع یافتیم که رفیق فراز آزادی (قاسم کریمی) از اعضای رهبری حزب کمونیست کارگری ایران امروز ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۱ بر اثر بیماری سرطان درگذشت. از این طریق نهایت همدردی خود را با بستگان رفیق فراز آزادی و رفقای حزب کمونیست کارگری ایران اعلام می کنیم.

کمیته تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست ایران
۱۲ سپتامبر ۲۰۲۱

فراز آزادی را هم از دست دادیم

متأسفانه روز یکشنبه این هفته

کمونیستی جلب کرد. بخش مهمی از زندگی قاسم کار در محیط های کارگری بود و هر کجا که کار کرد محبوب بود و چراغ راهنمای کارگران می شد. در گذشت قاسم عزیز براستی ضایعه بزرگی برای حزب و برای جنبش ماست. یاد قاسم کریمی همیشه ماندگار خواهد بود و خاطره فعالیت بی وقفه و فداکاریهای وی در راه رهایی طبقه کارگر و مردم زحمتکش هرگز فراموش نخواهد شد. یادش را گرامی میداریم.

شهلا دانشفر

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری
۲۴ شهریور ۱۴۰۰

درخشان بود که بطور خستگی ناپذیری بیشتر زندگی را وقف مبارزه برای آزادی و رهایی انسانها کرد. قاسم بیست سال قبل رسماً با حزب کمونیست کارگری در ارتباط قرار گرفت و در تمام این سالها یک ستون مهم فعالیت حزب در داخل ایران بود. قاسم را خیلی ها در ایران از شمال تا جنوب و از غرب تا شرق می شناختند و پای صحبتش می نشستند. قاسم همیشه یار و همدم انسانهایی بود که به او روی می آوردند و طلب کمک میکردند. قاسم جوهیل حزب در ایران بود و با توانایی بسیار بالایی که در توضیح مبانی کمونیسم داشت انسانهای زیادی را به صف آزادیخواهی و برابری طلبی

یاد عزیز قاسم کریمی هرگز فراموشی نمیشود

فراز آزادی (قاسم کریمی) عضو کمیته مرکزی حزب، کمونیست رزمنده و دوست داشتنی در ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۱ در اثر بیماری سرطان جان باخت. از طرف کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری جانباختن او را به همراه و همزمش محبوبه عزیز و به فرزندانش پویا و آرمین و به همگان تسلیت میگوئیم. یاد او هرگز فراموش نمیشود و خاطره اش همیشه زنده خواهد ماند.

قاسم کریمی کمونیستی قدیمی و با سابقه سیاسی

قاسم کریمی (فراز آزادی) خاطراتشان را تعریف کردند و عمو با همان نگاه صمیمانه و صدای آرام خاطره را تکمیل میکرد!

یاور و همراهش محبوبه از دائم‌ال‌سفر بودنش از سفر به عسلیوه از تبریز به سنندج و خلاصه هر جا که جنبنده عدالت خواهی را پیدا میکرد، میگفت. از کوله پشتی پرش از برنامه یک دنیای بهترش از قرارها، قطعنامه‌ها از مطالب و نشریات که همه و همه معنای بسیار عملی و فوری و فوئی برایش داشت! اگر هیچکدام از اینهاها هم نبود درایت اعتراضی و سوسیالیستی او بود که به همه مسائل عزیزانش برسد! از مشکلات مالی تا گرفتاری‌های عاطفی و شخصی فعالین و محافل کارگری!

از خودم میپرسم عمو قاسم و محبوبه پس کی به دو فرزندشان رسیدند که اینطور سالم و پرشور و قدر دارن محبوبه و فراز هستند و پیگیر راهشان؟

عمو قاسم شاهراه ارتباطی فعالین، محافل سوسیالیستی در اوج تک‌و‌تاخت هارترین نمایندگان سرمایه‌داری اسلامی در ایران بود! عمو قاسم نیرویش را در اتحاد میدید! اتحاد دردمندان و هم طبقه‌ای هایش در اعماق جامعه‌ای در حزیت و ارجح دانستن مصالح عمومی جنبش بر مصالح شخصی. خوب میفهمیم که دارد روی آخرین وصیت و رهنمود سیاسی‌اش اصرار میکند و چندین بار تکرار میکند اولویت مصالح جمع است و حزبش که سمبرل توان و اتحادمان است و نه فرقه مصلحین و شاغلین حرفه سیاست، و چیزی با همین مضمون و البته با ادبیات خودش. در آن جلسه تمام این حقایق پنهان از دیدگاه گزمنه‌های قرون وسطی‌ای نمایندگان خدا و سرمایه به قول معروف روی دایره ریخته شد و من و حتماً ما بی‌اختیار به احترامش از پشت کامپیوتر برخاستیم و ایستادیم.

حقیقت این است که نسل ما چند قرن زیست! نسل ما ممنوع و قاچاق بود هم از طرف مثلاً مدرنیست‌هایی مثل ناصرالدین شاه و فتحعلی شاه و رضاشاه و ممدرضا شاه تا آیت الله‌ها و مدرس‌ها و مشروعه‌چی‌هایی مثل آیت الله نوری‌ها و خمینی‌ها و خامنه‌ای و خاتمی‌ها و رئیسی‌ها! یعنی سه سلسله قاجار و پهلوی و شیعه اثنی عشری! یعنی عصارهای بدبختی، فلاکت، قتل‌عام و دیکتاتوری در تاریخ جامعه ایران. و امروز حکومت نکبت اسلامی عصاره تمام تاریخ رذالت، پستی و کثافت تاریخ این مملکت.

اما حکایت مبارزه آزادی خواهانه با این سلطه‌گران و لمپنها مختص ایران نبود کافی ایست مبارزه در دوران سلطه و تک و تاز نازی‌ها را ببینیم، کافیست مبارزه در اسپانیا، در فلسطین، در روسیه تزاری را بخوانیم!

آهان کتاب نینا ثابت رحمان را و حال و حکایت و نوع فعالیت اجتماعی بلشویکها را!

نه لازم نیست! میتوان زندگی فراز (عمو قاسم) را ورق بزیم چند صد سال جلوتر از ثابت رحمان و کتاب نینایش، جنبش سوسیالیستی و فرازا را ببینیم، پر تجربه‌تر، توانا و پر تحرک‌تر کمر راست کرده و با درایت راه دشوار ساختن دنیای بهتر را محکم‌تر به پیش میتازند.

فراز جان عطیه شاگرد جوانت که عزم جزم کرده بود که از زبان خودت خاطرات را ضبط کند امروز با بغض برابم نوشت: "فراز رفت!" و نتوانست حرفی بزند جز لعنت فرستادن به سرنوشتی که تو را از او گرفته بود. عطیه و عطیه‌ها حاصل تلاش تو و توها هستند. تو رفتی عزیز اما ماندگاری در وجود نسل جوانی که آینده‌اش را در همت، توان و صلابت مبارزاتی تو میبینند! اما با این همه پنهان نمیکنم که سخت دلم گرفته است و با بغض میگویم:

طول کشید و این بار به همراه محبوب زندگیش محبوبه

و دو پسرش که میزبان ما شدند، انجامید. چیزی که مرا مجذوب خود کرد در دیدار دوم توجه، احترام و عشق محبوبه و عمو قاسم بود. آنها بسیار زیبا بودند کنار هم، دلهره‌های که برای هم داشتن، حواسی که بهم داشتن زیبا بود.

عمو قاسم قبلاً در سفر زندگی می‌کرده اما به دلایل امنیتی همراه خانواده اش از سفر کوچ می‌کنند. در دیدار دوم بود که این را برابم تعریف کرد، از خاطراتش گفت، از داستان آدمهای آشنا گفت. بیاد دارم من دستگاه فکسی داشتم که ماهانه به واسطه ی خالد حاج محمدی از اعضای حزب کمونیست کارگری که ساکن سوئد بود نشریه‌های حزب را دریافت میکردم. جدا از گرانی کاغذ مشکل جدی این دستگاه و کاغذش این بود که بعد از مدتی نوشته‌های روی کاغذ پاک می‌شدند. عمو قاسم دست در کیفش برد و آنجا برابم نشریه ی انترناسیونال، ایسکرا و جوانان را بیرون آورد. کاغذهای A4 که نوشته‌هایش و عکس‌هایش واضح دیده می‌شدند. بهم گفت از این ببعد نشریه‌ها را خودم بدست می‌رسانم. هربار که از عسلیوه به مقصد تبریز محل سکونتش را می‌افتاد، در مسیروش من نیز در لیست خانه ی دوم او بودم. حواسم بود که راه طولانی را رفته، رختخوابش همیشه آماده بود تا استراحتی بکند و بعد شروع به صحبت کنیم، نشریه‌ها رو بهم بدهد و یا برنامه ریزی کنیم برای روزهای مثل هشت مارس یا اول ماه می. نشریه‌هایی که می‌گرفتم بعد از خواندن آن را به دست رفقای هم حزبی که متاسفانه نامشان را اینجا نمی‌شود برد می‌رساندم. این چرخه تا مدت‌ها ادامه داشت. هربار که عمو قاسم از عسلیوه عازم سفر میشد من دم پنجره یا گوش به زنگ تلفن بودم، دلهره و نگرانی از اینکه اتفاق ناگواری در این مسیر برایش پیش نیاید مرا بشدت هراسان می‌کرد.

عمو قاسم را به گمانم سال هفتاد و نه بود که در یک عروسی و به واسطه ی دوستانی مشترک با همدیگر آشنا شدیم و در ادامه ی این آشنای رفاقت و فعالیت سیاسی طولانی آغاز گردید. عمو قاسم انسانی آرام و خوش سخن با خنده ی زیبای که او را خونگرم و به دل نزدیک می‌کند، دیدم. آن شب در میان هیاهوی عروسی گوشه‌ای را برای صحبت‌های سیاسی پیدا کرده بودیم همان‌جا متوجه شدم که عمو قاسم نیز از اعضای حزب کمونیست کارگری است. اولین دیدار در آن عروسی در آن سال‌های دور شد رفاقتی که امروز هم با وجود نبودش من به آن افتخار میکنم و میبالم. آن شب او مهمان رفیق مشترکمان شد ولی برای فردای آن روز قرار گذاشتیم. در این قرار صحبت‌هایم طولانی نشد اما برای دیدار آتی مان برنامه ریزی کردیم. دیدار بعدی چندماه ی



اسرین واصلی

۱۶ سپتامبر ۲۰۲۱

بهمراه داشت.
یاد عموقاسم ما و فراز آزادی
حزبی گرامی

مسیر دوباره با عموقاسم یکجا شدیم. من از ایران گریختم و سال‌ها بعد عموقاسم و خانواده اش هم به مانند من از ایران گریختند. گهگداری از طریق واتساپ تصویری حرف میزدیم و بعد از سالها و شاید

گفت به عنوان آخرین ملاقات حضوری مان در شهر مالموی سوئد همدیگر را محکم در آغوش گرفتیم. شهلا دانشفر و محمد آسنگران دو نفری

هستند که روابط عموقاسم و من را بخوبی میدانستند، اما برای خیلی از رفقای حزبی این یکی از عجایب روزگار بود. دو انسان از دو نسل مختلف و جنسیت‌های مختلف سالها در ایران مخفیانه و علنی، دوشادوش هم و دوره‌های جدا از هم مبارزه کردند و امروز در اروپا و بعد از سالها دوباره در یک جمع کنار هم آمده اند. آدم‌های زیادی هستند که عموقاسم را ملاقات کرده اند، یا دوشادوشش مبارزه کردند اما متأسفانه زیر تیغ جمهوری

از طریق رفیقی کتاب "بحران خلیج به قلم منصور حکمت بدستم می‌رسید و در هر دیدار با عموقاسم چندجلدی به او میدادم تا او در این سفرهای دور ایران اش بدست هواداران حزب برساند. تنها کتاب "بحران خلیج" نبود بلکه تعداد زیادی هم "یک دنیای بهتر از آثار منصور حکمت" از طریق من بدست عموقاسم و سپس از طریق او و سفرهایش به دست هواداران حزب در شهرهای مختلف ایران می‌رسید. عموقاسم و من همدیگر را با خیلی از رفقای که امروز داریم پیوند دادیم. از شمال تا جنوب، از تهران تا شهرهای کردستان، ردپای عموقاسم را می‌شود دید.

ما سالها مخفیانه کنار هم فعالیت کردیم و بعدها من مسیرم را به سمت کارهای علنی تغییر دادم. در این تغییر

در یکمین سالروز درگذشت بهروز مهرآبادی عزیز، یادش را گرامی می‌داریم



رفیق عزیزمان بهروز مهرآبادی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری پس از حدود سه سال جدال با سرطان روز ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۰ در شهر گوتنبرگ سوئد درگذشت.

بهروز از فعالین سیاسی قدیمی بود که از زمان حکومت پهلوی بلاوقفه در حال مبارزه و جدال با استمگاری و بی‌عدالتی‌های اجتماعی بوده است. او از کادریهای قدیمی و با سابقه و با تجربه حزب بود و چند دهه از زندگی اش را صرف تلاش و مبارزه برای دنیایی بهتر، دنیایی انسانی و فارغ از ستم و تبعیض و نابرابری و صرف پیشروی حزب نمود. بهروز مسئولیت‌های مختلفی در طول فعالیت با حزب داشت از جمله چندین سال دبیر تشکیلات سوئد حزب و چندین سال سردبیر نشریه انترناسیونال بود و با دقت و پشتکار و با احساس مسئولیت فوق‌العاده فعالیت میکرد. متأسفانه سرطان به او مهلت نداد پیشروی‌های بیشتر جنبشی که خود یک عضو فعال آن بود را ببیند. مرگ بهروز ضایعه‌ای دردناک برای حزب ما و جنبش‌رهایی بخش سوسیالیستی بود.

روز شنبه ۱۱ سپتامبر به مناسبت یکمین سالگرد درگذشت بهروز عزیز مراسم یادبودی از طرف خانواده اش در شهر گوتنبرگ سوئد برگزار شد. از میان شرکت‌کنندگان در این مراسم تعدادی نیز با بازخوانی خاطره‌های خود، یاد این رفیق را گرامی داشتند. در لابلای برنامه‌ها، گروه موزیک "کاروان" نیز، چند ترانه خاطره‌انگیز را اجرا نمودند.

آرمان‌های انسانی بهروز عزیز همیشه زنده است. یادش را گرامی می‌داریم.

کنفرانس در حمایت از کارگران نفت با تاکید بر بایکوت جهانی جمهوری اسلامی

متن گفتگو با شهلا دانشفر و کاظم نیکخواه در تلویزیون کانال جدید



خلیل کیوان: دو روز قبل یعنی در تاریخ ۲۱ شهریور ماه کنفرانسی بصورت آن لاینی از طرف نهاد کمپین برای آزادی کارگران زندانی (فری دم ناو) در حمایت از کارگران اعتصابی نفت و علیه سرکوبگری های حکومت برگزار شد. در این کنفرانس تعداد قابل توجهی از مسئولین اتحادیه ها و فعالین سرشناس اجتماعی حضور داشتند. در این برنامه در باره جایگاه و اهمیت این کنفرانس، مباحثی که آنجا مطرح شد و همینطور قدمهای بعدی که نهاد فری دم ناو و یا همان کمپین برای آزادی کارگران زندانی در دستور خواهد داشت، با شهلا دانشفر سخنگوی فری دم ناو و کاظم نیکخواه مسئول روابط بین المللی آن گفتگو داریم.

شهلا دانشفر! چگونه بود که در فکر برگزاری چنین کنفرانسی افتادید و اگر ممکن است مختصری از آنچه در این کنفرانس گذشت برای ما صحبت کنید؟

شهلا دانشفر: این کنفرانس از نظر من یک اقدام مهم و حقیقتاً یک پیشروی بود. مساله از ارسال نامه ای که فری دم ناو به تمام اتحادیه های کارگری و نهادهای انساندوست در سراسری جهان ارسال کرده بود شروع شد. این نامه در حمایت و همبستگی با کارگران پیمانی پروژه ای اعتصابی نفت در ایران و علیه سرکوبگریهای حکومت بود. این تم معنای معینی داشت. به این مفهوم که هم اعتصاب یک بخش کلیدی کارگری در ایران را در شرایط امروز جامعه مورد اشاره قرار میداد و هم سرکوبگری های حکومت اسلامی را و در همین راستا به سیاست سرکوب جمهوری اسلامی علیه جنبش های اجتماعی مختلف در جامعه اشاره داشت و صدای کارگران علیه سرکوبگری های حکومت در تمام عرصه ها بود. ما این نامه را برای اتحادیه های مختلف کارگری و کمپینهای سیاسی

در سطح جهانی فرستادیم و خواستیم در همبستگی با ما کارزار برای اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار و بایکوت بین المللی این حکومت بخاطر سرکوب گری هایش امضای خود را زیر آن بگذارند و استقبال خوبی از آن شد. استفانی اسمیت دبیر کل اتحادیه کارگران خدمات دولتی بریتیش کلمبیا، استفان ون سیچوفسکی رئیس شورای اتحادیه های کارگری در بریتیش کلمبیا، سعید نعمادبیر کل کنفدراسیون اتحادیه های کارگری عراق، ریتا مالیا دبیر کل ایالت نیوساوت ولز اتحادیه کارگران ساختمانی و پل کیتینگ رئیس سیدنی اتحادیه کشتیرانی در استرالیا، اریک لی بنیانگذار سایت بین المللی کارگری لیبر استارت، جان کلارک کمپینر و استاد دانشگاه در کانادا، پیتر تاچل مدیر بنیاد پیتر تاچل و کمپینر سیاسی در انگلیس، جوزف داهر استاد دانشگاه لوزان و یکی از رهبران حزب سولیداریتی چپ سوئیس و مسعود ارژنگ دبیر لوکال ۸۰۳ اتحادیه خدمات بهداشتی جامعه در ونکوور کانادا از امضا کنندگان این نامه بودند. بعد از این گفتمان ها ما برگزاری کنفرانس آن لاینی را در دستور گذاشتیم تا امضا کنندگان آن بیایند و در مورد این کارزار و بویژه تاکیدی که بر انزوی سیاسی جمهوری اسلامی در سطح بین المللی داشت صحبت کنند. دعوت ما با استقبال روبرو شد و بر این اساس کنفرانس برگزار

شد. در ابتدای کنفرانس نامه ای که به آن اشاره کردم به زبان انگلیسی و فارسی قرائت شد. اریک لی که علاوه از امضا کنندگان کمپین جهانی علیه جمهوری اسلامی نیز بوده است، مسعود ارژنگ و پیتر تاچل از امضا کنندگان این نامه در کنفرانس شرکت و سخنرانی های پر شوری کردند. سعید نعمایکی دیگر از امضا کنندگان این نامه و کمپین برای بایکوت جهانی جمهوری اسلامی نیز در این کنفرانس حضور داشت که بدلیل ضعیف بودن اینترنت در عراق همانجا پیام کتبی داد و توسط بهرام سروش گرداننده کنفرانس قرائت شد. همچنین استفانی اسمیت از کانادا پیام بسیار گرمی برای کنفرانس فرستاده بود که در آن با قاطعیت بر بایکوت و اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار تاکید کرده بود. پیامی هم از جوزف داهر استاد دانشگاه لوزان و یکی از رهبران حزب سولیداریتی چپ سوئیس داشتیم. علاوه تهمینه صادقی عضو کمیته همبستگی بین المللی اتحادیه خدمات عمومی در بریتیش کلمبیا و از اعضای کمپین برای آزادی کارگران زندانی، شیوا محبوبی سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و سمیر نوری سخنگوی نهاد مبارزه علیه اعدام در عراق در کنفرانس شرکت و سخنرانی داشتند. همچنین حسن صالحی سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام

شلاق زندنها و برای نمونه دستگیری کارگر بازنشسته اسماعیل گرامی و محکوم کردنش به شلاق و نمونه هایی از این قبیل، سخنرانان این کنفرانس بر بایکوت جهانی جمهوری اسلامی و اخراج این حکومت از سازمان جهانی کار تاکید بسیار شفاف و محکمی داشتند. و این بسیار جاب بود. ما سالهاست بر بایکوت جهانی جمهوری اسلامی تاکید میکنیم و امروز پیتر تاچل و اریک لی و بقیه، در صحبتهایشان جمهوری اسلامی را با فاشیسم هیتلری مقایسه کردند و گفتند که جمهوری اسلامی سیاستهای کاملاً با سیاستهای فاشیسم هیتلری شباهت دارد، و اریک لی بطور مشخص تاکید کرد که اگر نمایندگان هیتلر را اتحادیه های کارگری در سال ۱۹۳۲ از سازمان جهانی کار اخراج کردند، امروز هم میتواند همین سیاست در مورد حکومت فاشیسم اسلامی در ایران تکرار شود و باید تکرار شود. همه سخنرانان در همین جهت تاکید داشتند که یک حکومتی در ایران هست که حقوق پایه ای و ابتدایی کارگران و مردم را به شیوه های بسیار وحشیانه ای پایمال میکند، و این حکومت به این دوره و به نهادهای بین المللی و به این زمان و به حقوق انسانی بی ربط است و سازمانهای جهانی باید آنرا از صحنه کنار بزنند. بنظر من هم این یک اتفاق مهم بود که ما صدای واحدی را در رابطه با جمهوری اسلامی از جریاناتی از گوشه و کنار جهان می شنیدیم که تاکیدشان بر بایکوت جهانی جمهوری اسلامی بود.

در عین حال در این کنفرانس سخنرانیهایی در رابطه با اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه، در رابطه با اعتصاب نفت و در رابطه با کل اعتراضات کارگری در ایران تاکیدات

خلیل کیوان: گفتید که کنفرانس به موضوعات مهمی پرداخت. میخواهم از کاظم نیکخواه بپرسم کنفرانس بر چه موضوعاتی تمرکز داشت و محورهای اصلی ای که مباحث حول آنها صورت گرفت کدامها بودند؟

کاظم نیکخواه: کنفرانس دو محور اصلی دشت اساساً در حمایت از کارگران اعتصابی نفت بود و علیه سرکوبگریهای حکومت. در همین رابطه بحثهایی که مطرح شد تمرکز آنها روی همین دو جنبه بود. و در رابطه با سرکوبگریهای حکومت با اشاره به دستگیریهایی

ادامه از صفحه ۱۰



مهمی داشت و همچنین همانطور که شهلا دانشفر گفت در رابطه با روی کار آمدن جریان اسلامی طالبان در افغانستان نیز اشاراتی شد و کنفرانس حمایت خودش را از مردم افغانستان علیه طالبان اعلام کرد. حمایت خود را از اعتصاب کارگران نفت اعلام کرد و بهر حال تیزی و تمرکز کنفرانس روی بایکوت جهانی حکومت توحش اسلامی بود و این هم نظری و هماهنگی را میشد کاملاً دید.

خلیل کیوان: شهلا دانشفر بنظر شما اهمیت و جایگاه این کنفرانس که بر مهم بودن آن تاکید شد چه بود؟ آیا این تاکید به جاست؟

شهلا دانشفر: دقیقاً همینطور است. این کنفرانس یک قدم به جلو بود. ما مدت‌هاست داریم از اخراج جمهوری اسلامی و بایکوت جهانی آن صحبت میکنیم. ۱۴ سال قبل بود که فری دم ناو نامه حمایتی از اتحادیه کشتیرانی از استرالیا داشت با تاکید بر همین خواستها. ما در طول همه این سالها تلاش کردیم فعالانه این گفتمان را جلو ببریم و هر سال در مقابل اجلاس سازمان جهانی کار با این گفتمان که جای حکومت اسلامی در چنین اجلاس‌هایی نیست بلکه پشت میز محاکمه است حضور پیدا کردیم و با خواست اخراج جمهوری اسلامی از این سازمان، آنجا را به صحنه اعتراض خود تبدیل کردیم. این کنفرانس نشان داد که دیگر بحث از گفتمان فراتر رفته است. ما در این کنفرانس چهره‌های ذی نفوذی را میدیدیم که عزمشان جزم بود برای عملی کردن این خواست و راهکارهای عملی نشان میدادند. میگفتند سران این حکومت باید محاکمه شوند و به نمونه محاکمه حمید نوری یکی از مهره‌های جنایتکار جمهوری اسلامی در سوئد اشاره داشتند و تاکیدشان بر این بود که با استناد به قوانین بین‌المللی میشود این امر را عملی کرد. و یا بطور مثال اریک لی مثال آورد و گفت که در زمان جنگ جهانی نماینده

دولت فاشیست آلمان از آی ال او اخراج شد و این اقدام را کارگران و اتحادیه‌های کارگری عملی کردند و چرا امروز این برخورد با جمهوری اسلامی نمیشود که اینهمه جنایت کرده است؟ به این صورت در تک تک سخنرانی‌ها از جنبه‌های مختلف این بحث مورد تاکید قرار گرفت و در آنها یک تصمیم و یک عزم راسخ را میدیدیم. از همین رو در اول صحبت‌هایم اشاره کردم که این کنفرانس یک پیشروی مهم بود. این کنفرانس صدای کارگران و صدای مردم ایران بود که حرفشان به دنیا اینست که رئیسی جلاد را به عنوان رئیس جمهور به رسمیت نشناسید. علیه خامنه‌ای و سران حکومت بخاطر کشتار جمعی کرونا اعلام کیفرخواست میکنند و شاکمی هستند. یکی از سخنرانان این کنفرانس همانطور که اشاره کردم کاظم نیکخواه بود که اشاره مبسوطی به اعتصاب کارگران نفت کرد و بعد با اشاره به سرکوبگری‌های حکومت بر همین گفتمانها تاکید گذاشت. من نیز در سخنرانی‌ام در این کنفرانس تلاش کردم به عنوان صدای کارگران در ایران علیه اعدام، علیه زندان و شلاق و شکنجه که با هک شدن دوربین‌های مداربسته اولین فیلم‌های آن مقابل چشم دنیا قرار گرفت کیفرخواستی را ارائه دهم. روز برگزاری کنفرانس سالگرد اعدام نوید افکاری بود یاد او را گرامی داشتیم و از اعدام این جوان محبوب به عنوان ادله‌ای دیگر بر انزوای جهانی جمهوری اسلامی تاکید کردیم

و انعکاس همه این گفته‌ها را در تمام مباحث کنفرانس میدیدیم با این گفتمان که رژیمی با این ابعاد از جنایت باید بایکوت شود و تک تک سخنرانان تلاش میکردند با راهکارهای عملی بحث خود را مستدل کنند.

کاظم نیکخواه: این کنفرانس بخشی از یک جنبش و یک حرکت است که یک جنبش همه‌جانبه است و از سالها پیش ما داریم تلاش میکنیم در سطح بین‌المللی صدای کارگران، صدای زندانیان سیاسی و صدای مردم ایران را بازتاب بدهیم و در این کنفرانس یک گوشه از این واقعیت را میشد به وضوح ببینیم و بشنویم. چیزی که این کنفرانس نشان داد این بود که این حرکت دارد کم‌کم محصول میدهد دارد به نتیجه میرسد و گرچه هنوز ما در شروع این تحولاتی هستیم که انتظارش را داریم اما کنفرانس صدای میلیون‌ها نفر بود. این ده پانزده نفری که در کنفرانس صحبت کردند نمایندگان میلیون‌ها نفر و صدها هزار کارگر و مردم در گوشه و کنار جهان هستند. واقعیتی که این کنفرانس نشان داد این بود که صدای کارگران و زندانیان سیاسی در ایران

پیوند پیدا کرد با نیروهای زیادی در سطح دنیا اتحادیه‌های کارگری فعالین اجتماعی و جریان‌های چپ مختلف که همه همصدا میگویند ما باید این حکومت را از صحنه جهانی بیرون باندازیم و در قدم اول از سازمان جهانی کار بیرون کنیم. و به پیشروی مردم ایران برای سرنگونی این حکومت کمک کنیم. از این نظر بنظر من کنفرانس هدفی را که داشت تا حد زیادی به آن دست یافت. خوب این قدمی که برداشتیم در عین حال وظایف تازه زیادی را روی دوش ما و در قدم اول روی دوش شهلا دانشفر و خود من بعنوان مسئولین فری دم ناو میگذارد که تلاش بیشتری را باید انجام دهیم و به این نوع فعالیتها ادامه دهیم. روبروی فری دم ناو و ما که فعالین این سازمان هستیم افق وسیعی باز شده که گامهای بلندتری را بتوانیم برداریم. من امیدوار هستم که در کنفرانسهای بعدی بتوانیم صدها شخصیت و فعالین جنبشهای اجتماعی را (البته به امید اینکه کرونا هم تمام شده باشد) حضوری در یک کنگره بین‌المللی گرد بیاوریم و کاری کنیم که خواستهای کارگران ایران، اعتراضاتشان و بایکوت جهانی جمهوری اسلامی را مطرح کنیم و امیدوار هستم که بتوانیم آی ال او را به این تصمیم برسانیم که امثال شورای اسلامی و خانه کارگریها و کل نمایندگان دست چین شده جمهوری اسلامی را بیرون باندازد. الان این کنفرانس با صدای استثنائی اسمیت، اریک لی و

پیتر تاچل و خود ماها نشان داد که این خواست حقانیت زیادی دارد و این سوال بطور جدی از آی ال او مطرح است که چرا با جمهوری اسلامی مماشات میکند. در نتیجه میشود امیدوار بود که اتحادیه‌های زیادی پشت این خواست قرار بگیرند و از آن حمایت کنند و بتوانیم این حکومت را یک قدم اساسی عقب برانیم.

خلیل کیوان: اینجا سوال من از شهلا دانشفر به عنوان سخنگوی نهاد کمپین برای آزادی کارگران زندانی اینست که اکنون که این کنفرانس با موفقیت برگزار شد، چه قدم‌های عملی مشخصی مقابل نهاد فری دم ناو قرار میگیرد؟

ادامه در صفحه ۱۲

ادامه از صفحه ۱۱

که حکومت اسلامی برای خنثی کردن جنبش ما میکند، در سطح بین المللی مردم وسیعتر جمهوری اسلامی را بشناسند نفرت مردم در ایران را متوجه شوند و در نتیجه جریانات سیاسی هم که اشاره کردم ناچارند به این جهت و به این جریان بپیوندند. بهر حال بطور خلاصه بگویم ما باید تلاش کنیم کنفرانسهای بزرگتری در سطح بین المللی برگزار کنیم. و یک سازمان بین المللی تری به خودمان و این جنبش بدهیم. چون عملاً این جنبش دارد ابعاد جهانی و بین المللی بخود میگیرد باید سازمان جهانی تر باشد. باید سازمان وسیعتری ایجاد کنیم برای دفاع از کارگران ایران، دفاع از زندانیان سیاسی، بایکوت جهانی جمهوری اسلامی و دفاع از ارزشهای انسانی در برابر توحش اسلامی.

یک نکته هم که اضافه کنیم اینست که تلاش ما تا همینجا روی خود این جریانات و برخی اتحادیه ها و جریانات چپ تاثیر خوبی داشته و به درجه ای میشود گفت آنها را هم متحول کرده است.

خلیل کیوان: با تشکر از شما کاظم نیکخواه و شهلا دانشفر

و چپ مختلف، شخصیتها و کمپینهای شناخته شده بیشتری به این حرکت علیه جمهوری اسلامی و در دفاع از حقوق انسانی مردم و کارگران در ایران گام بعدی است.

این حرکت فقط به کارگران مربوط نمیشود. برای همه مردم ایران مهم است که در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی هم پیمانان جهانی خود شان را داشته باشند صدایشان در سطح دنیا شنیده شود. و این کنفرانس قدمی در این جهت بود. گامهای بعد تماس گرفتن وسیعتر با تشکلهای کارگری جهانی و فعالیت های گسترده تر تبلیغی بویژه به زبان انگلیسی در سطح بین المللی از جانب ماست. و اینکه بتوانیم تبلیغات مدافعین حکومت اسلامی را خنثی کنیم و نیروهای وسیعتری را جلب کنیم. ما متوجه شدیم که بخش وسیعی از این نیروها توجهشان به ما و به فعالیتهایی که داریم و علیه جمهوری اسلامی جلب شده است. بویژه با جنایات حکومت در سرنگونی هوایمای مسافربری و تظاهراتهای مردم در شهرهای مختلف در این یکی دو سال اخیر. همه اینها باعث شده است که علیرغم تلاشهایی

تبلیغات جمهوری اسلامی هستند. یک گرایشی در غرب هست که خودش را حتی چپ میدانند ولی گرایشی است که ما آنرا چپ ضد آمریکائی میخوانیم که خودداری میکند که جمهوری اسلامی را محکوم کند. با این بهانه که نگران است که بنفع آمریکا تمام شود. یعنی پایمال کردن حقوق انسانی و حقوق کارگران و اینها برایش تحت الشعاع مساله ضد آمریکائی گری قرار میگیرد. و این بشدت زیان آور و خطرناک است و این کنفرانس یک قدم مهمی بود در عقب زدن این جریان در یک بعد بین المللی و توجه دادن چپ اروپا و اتحادیه های کارگری مختلف که امروز برای دفاع از انسانیت یک گام مهم عقب راندن توحش جمهوری اسلامی است و این هیچ تناقضی با مخالفت با سیاستهای ارتجاعی آمریکا و دیگر کشورها آنجایی که لازم است ندارد. و اگر کسی بخواهد گامی در خدمت کارگران و مردم بردارد باید جمهوری اسلامی و توحش اسلامی را در قدم اول محکوم کند و مقابل آن بایستد. گام بعدی ای که باید برداشت جذب نیروهای وسیعتری به این حرکت است. جذب اتحادیه های کارگری، تشکلهای سیاسی

بستر همین حرکت است که جمهوری اسلامی را زیر فشار قرار میدهیم تا بر سرکوبگری هایش خاتمه دهد و کارگران زندانی، و همه زندانیان سیاسی از زندان بدون قید و شرط آزاد شوند.

خلیل کیوان: الان که هم صداهایی در سطح بین المللی پیدا کرده اید و چهره های شناخته شده ای در جنبش کارگری و جنبش های اجتماعی در گفتمان اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار و بایکوت جهانی این حکومت با شما همراه هستند، پرسش اینست که چگونه میشود این گفتمان را جهانی تر و وسیع تر کرد و چشم اندازی که شما در این مورد می بینید چیست؟

کاظم نیکخواه: واقعیت اینست که در سطح بین المللی فقط ما نیستیم که فعالیت میکنیم. جمهوری اسلامی و عناصرش هم فعلاً تلاش میکنند که حرکت ما و صدای کارگران و مردم ایران را خنثی کنند. برای نمونه در همین تماسهایی که ما با اتحادیه های کارگری داشتیم بعضاً به نحوی مطرح میکردند که نه نمیشود، نباید این کار را بکنیم بنفع آمریکا تمام میشود و امثال اینها. و معلوم بود که تحت تاثیر

کارزار نمایندگان بسیاری دارد. امروز این گفتمان در اتحادیه های کارگری مختلف، نهادهای انساندوست مختلف جهانی و کمپینر های سیاسی شناخته شده جهانی زمینه و پایگاه دارد. و ما آنها را در این حرکت کنار خودمان می بینیم. تا الان ما به عنوان فری دم ناو سعی کردیم تا فشار بیاوریم، تاثیر بگذاریم، اجلاس های آی ال او را به محل اعتراض خود تبدیل کنیم و غیره که باید کماتان این کار ها را انجام داد و روشن است که این ابعاد از حمایتها کافی نیست و باید نیروی وسیع بین المللی را در این کارزار همراه خود کنیم. اما قدمی که در مقابل ما قرار میگیرد اینست که با اکتفاء به این نیرویی که همین امروز کنار ما قرار گرفته اند و به ما پیوسته اند با قدرت بیشتری حرکت کنیم و بزرگترین اتحادیه های بین المللی کارگری را پشت این خواست بیاوریم و جمهوری اسلامی را در سطح جهانی بایکوت کنیم و این یک قدم مهم در سرنگونی این حکومت است و همانطور که اشاره کردم این صدای کارگران ایران است. صدای مردم ایران است برای رها شدن از شر جهنم جمهوری اسلامی. طبعاً لازمست اشاره کنم که در

ماهواره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

ماهواره یوتلست

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین:

پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های
تلویزیون کانال جدید
در ماهواره های:

کمونیسم کارگری و آزادیهای فردی

این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین شده است



خلیل کیوان: گفته میشود کمونیستها به آزادیهای فردی اهمیت نمی دهند. آیا تجربه های شکست خورده ای مثل شوروی و چین و غیره باعث اشاعه چنین باوری شده است؟ کمونیسم کارگری درباره آزادیهای فردی چه میگوید؟ آیا برابری افراد در جامعه که یکی از اهداف پایه ای کمونیستها است به معنی نفی تفاوتهای فردی است؟ دیدگاه و کارنامه عملی کمونیسم کارگری در زمینه آزادیهای فردی چیست؟ این پرسشها و سئوالات دیگری در همین زمینه را با حمید تقوایی در میان میگذاریم.

حمید تقوایی این تصویر داده شده که کمونیستها فرد را قربانی جمع میکنند. آیا این درست است که کمونیسم بخاطر اهمیتی که به جامعه و زندگی اجتماعی میدهد به آزادیها و حقوق فردی بی اعتناست؟

حمید تقوایی: اینطور نیست. کاملا برعکس، اهمیت و جایگاه و نقشی که کمونیسم کارگری برای فرد و آزادیهای فردی قائل است بسیار جامع تر از لیبرال ترین و دمکرات ترین دیدگاه هائی است که در کمپ مقابل، در کمپ مدافع سرمایه داری وجود دارد.

اولا آزادیهای فردی و اجتماعی از یکدیگر جدا نیست. بلکه کمونیسم اساسا برای آزادی و برابری و رهائی کل جامعه مبارزه میکند و جامعه محور است اما واقعیت اینست که رهائی جامعه، آزادی همه مردم و تامین رفاه همگانی، در سطح هر عضو جامعه بازتاب و معنی پیدا میکند و معنائی بجز رفاه و آزادی تک تک افراد نمیتواند داشته باشد.

ثانیا نکته مهم تر اینست که کمونیستها تنها مدافع حقوق فردی نیستند بلکه می خواهند امکانات اقتصادی-اجتماعی برخوردار همگان از این حقوق نیز تامین بشود.

ببینید، معمولا در جوامع امروز، در نظام های سرمایه داری، وقتی از آزادی و حقوق افراد صحبت میشود موضوع فقط در سطح حقوقی و قانونی، و برای اکثریت جامعه بر روی کاغذ، باقی میماند. به عنوان نمونه در جامعه سرمایه داری شما حق دارید به هر جای دنیا سفر کنید ولی اگر پول و امکانش را نداشته باشید، اگر برای تامین معیشت ناگزیر باشید هر روز کار کنید، عملا نمی توانید سفر کنید. شما حق دارید هر خانه ای را بخرید ولی اگر امکان مالی اش را نداشته باشید تا آخر عمرتان اجازه نشین خواهید بود و از حق داشتن مسکن نخواهید توانست استفاده کنید. شما حق دارید آزادانه نظر بدهید ولی امکان استفاده از رسانه های اصلی جامعه، رسانه هائی که به افکار عمومی شکل میدهند، در اختیار عده معدودی است. حتی در جوامع غربی که خود را "مهددموکراسی" مینامند همه میتوانند در انتخابات شرکت کنند ولی اگر میلیونها دلار صرف تبلیغات انتخاباتی نکنید عملا شانسی برای پیروزی نخواهید داشت.

این نمونه ها و هزاران نمونه نظیر آن نشان میدهد که داشتن حق، و امکان عملی استفاده از حق، دو موضوع کاملا متفاوت است. این فاکتور دوم در جوامع سرمایه داری محلی از اعراب ندارد و کسی از آن صحبت نمیکند. شما بیانیه حقوق بشر را اگر مطالعه کنید می بینید در مورد امکان مساوی همه مردم برای برخورداری از حقوقشان کلمه ای در آن نیست. روی کاغذ، همه حقوق برابر دارند ولی در عمل اکثریت عظیم مردم نمیتوانند از این حقوق استفاده کنند. این مسئله تنها در یک جامعه کمونیستی میتواند حل شود. کمونیسم معتقد به نه تنها آزادیها و حقوق فردی، بلکه امکان برخوردار همگان از این آزادیها و حقوق است. این امکانسازی، اینکه از نظر عینی انسانها بتوانند از حقوقشان برخوردار بشوند، تماما در گرو سوسیالیسم است. تا شما سرمایه داری را بر نیندازید این امکان فراهم نمیشود.

خلیل کیوان: اما تجاربی مثل تجربه کمپ شوروی سابق و یا چین و کره شمالی نشان میدهد که آزادیهای فردی در این جوامع نفی میشود. علت چیست؟ آیا این امر به ایدئولوژی کمونیستی این دولتها ربط پیدا نمیکند؟

مطلق دولت بر همه فعال و انفعالات اقتصادی در جامعه مستلزم اعمال قدرت مطلق و انحصاری دولت در همه زمینه ها، از نظر اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و غیره، بر جامعه است و این مستلزم نقض کامل حقوق و آزادیهای فردی و مدنی شهروندان است و ثانیا همین تناقض بین نام و ادعای کمونیستی و واقعیت کاپیتالیستی این نظامها موجب میشود که دولت جلوی هر ابراز نظر انتقادی و هر نحو اشاره به این تناقض را بگیرد. دقیقا چون یک نظام کاپیتالیستی خود را کمونیست اعلام میکند نمیتواند اجازه بدهد که کسی بر این تناقض انگشت بگذارد و مثلا فردی یا حزبی و رسانه ای به این امر اعتراض کند. این تناقض چنان واضح و روشن است که کمترین صدای اعتراض به این وضعیت میتواند به یک جنبش و نیروی عظیم اجتماعی تبدیل شود. در کمپ شوروی هم همین طور بود. و یکی از دلایل فروپاشی آن همین تناقض بود.

حمید تقوایی: اولین نکته این است که نظام هائی که نام بردید مدعی کمونیسم بودند و یا هستند، در حرف خود را کمونیست می نامند ولی در عمل چیزی فراتر از سرمایه داری دولتی نیستند. بخصوص نمونه چین این واقعیت را به همه دنیا نشان داده است. کمونیسم اساسا بر سر لغو استثمار و کار مزدی است. این را همه دنیا، چه موافقین و چه مخالفین کمونیسم میدانند. در عین حال همه می بینند که استثمار و بردگی مزدی در چین به شدیدترین شکل، حتی شدیدتر از کشورهای سرمایه داری که ادعای کمونیستی ندارند، در جریان است. بنابراین خیلی روشن است که این نوع نظامهای ناقض آزادیهای فردی هیچ ربطی به اهداف و آرمانهای کمونیسم ندارند. بلکه مربوط به شکل ویژه ای از سرمایه داری اند که نیازمند قدرت بلامنزاع دولت در اقتصاد و در سیاست است. شکل سرمایه دولتی که به برنامه ریزی دولتی و کنترل همه عوامل اقتصادی و سیاسی متکی است اما مثل سرمایه از نوع غربی چرخ اقتصاد بر محور استثمار نیروی کار و سود اندوزی و انباشت سرمایه می گردد.

این دو فاکتور اعمال کنترل کامل دولت بر همه شئون جامعه و تناقضی که بین ادعای کمونیستی دولت و واقعیات جامعه وجود دارد اساس و منشاء نقض حقوق و آزادیهای فردی در نظامهای سرمایه داری مدعی کمونیسم است و نه ایدئولوژی و یا سیاست کمونیستی ناموجود این دولتها.

خلیل کیوان: یک بحث دیگر موضوع ویژگیهای فردی است. وجه مشخصه کمونیسم تاکید بر برابری همه افراد است. آیا این تاکید، به یکسان سازی افراد و نفی و انکار ویژگیهای فردی در جامعه منجر نخواهد شد؟

حمید تقوایی: بهیچوجه. برابری به معنی یکسان سازی

علت اینکه در این نظامها آزادی و حقوق فردی بیش از جوامع غربی نقض میشود از دو واقعیت سرچشمه میگیرد: اول این که کنترل

ادامه از صفحه ۱۲

” در نظام های سرمایه داری، وقتی از آزادی و حقوق افراد صحبت میشود موضوع فقط در سطح حقوقی و قانونی، و برای اکثریت جامعه بر روی کاغذ، باقی میماند. به عنوان نمونه در جامعه سرمایه داری شما حق دارید به هر جای دنیا سفر کنید ولی اگر پول و امکانش را نداشته باشید، اگر برای تامین معیشت ناگزیر باشید هر روز کار کنید، عملاً نمی توانید سفر کنید. شما حق دارید هر خانه ای را بخرید ولی اگر امکان مالی اش را نداشته باشید تا آخر عمرتان اجاره نشین خواهید بود و از حق داشتن مسکن نخواهید توانست استفاده کنید. شما حق دارید آزادانه نظر بدهید ولی امکان استفاده از رسانه های اصلی جامعه، رسانه های که به افکار عمومی شکل میدهند، در اختیار عده معدودی است. حتی در جوامع غربی که خود را ”مهد دموکراسی“ مینامند همه میتوانند در انتخابات شرکت کنند ولی اگر میلیونها دلار صرف تبلیغات انتخاباتی نکنید عملاً شانس برای پیروزی نخواهید داشت.“

نیست. ما از برابری صحبت میکنیم و نه از یکسانی. آرمان و هدف ما تحقق این شعار معروف و شناخته شده است: از هر کس به اندازه توانش، به هر کس به اندازه نیازش. طبعاً نیازهای افراد متفاوت است. آدمهای مختلف نیازهای متفاوتی دارند و پاسخگوئی به این نیازها نه تنها به معنی نفی و انکار این ویژگیها نیست بلکه این ویژگیهای فردی را برسمیت میشناسد و مبنای برخورد به افراد قرار میدهد. طبعاً یک خانواده چند نفری در مقایسه با فردی که تنها زندگی میکند به خانه بزرگتری نیازمند است، و یا افراد در انتخاب لباس و وسائل زندگی و نوع تفریح و غیره سلیقه ها و اولویت های متفاوتی دارند. در شعار هر کس به اندازه نیازش همه این ویژگیها و تفاوتها منظور شده است. نیازها متفاوتند و وقتی هدف و سیاست شما این باشد که نیاز همه افراد جامعه تامین شود برخورد یکسانی به افراد نکرده اید و یکسان سازی ای در کار نخواهد بود.

من میدانم که جامعه چین، با متحدالشکل کردن لباسها و حتی ارزشها و سلیقه های هنری و فرهنگی که بخصوص بعد از انقلاب فرهنگی کدائی در آن کشور رواج پیدا کرد، این تصویر را بدینا داده است که گویا کمونیسم خواهان یکسان سازی افراد است. در پاسخ این هم باز باید به سرمایه داری دولتی تحت نام کمونیسم و عوارض و مصائب ویژه ناشی از آن اشاره کنم. اعمال کنترل بلامنازع دولتی مستلزم یک جامعه پادگانی است و این را امروز در کره شمالی هم مشاهده میکنیم.

کمونیسم کارگری، کمونیسمی که مانیفست و برنامه یک دنیای بهتر نمایندگی میکنند، نه تنها با یکسان سازی تناقض دارد بلکه اجازه میدهد که به گسترده ترین و همه جانبه ترین وجه، ویژگیها و استعدادهای فردی شکوفا شود. دقیقاً ایجاد امکان برخورداری از حقوق و آزادیهای فردی، که در ابتدای

این مصاحبه اشاره کردم، ضامن تحقق نقش و جایگاهی برای افراد است که حتی در لیبرال ترین نظام های سرمایه داری آنها مشاهده نمیکند.

خلیل کیوان: این تلقی شما از اهمیت و جایگاه فرد برای کمونیسمی که در اپوزیسیون است چه معنایی دارد؟

حمید تقوائی: کارنامه حزب ما اهمیت جایگاه فرد را بروشنی نشان میدهد. بعنوان مثال هر کس تاریخچه و عملکرد حزب ما را دنبال کرده باشد متوجه میشود که برخورد ما

به حقوق و وظایف اعضا، کاملاً از تصویری که کمونیسمهای موجود در دولتها و حتی در اپوزیسیون بدست داده اند متفاوت است. حزب ما اولین جریانی در جنبش کمونیستی ایران بود که با سنت پنهان کاری و عدم شفافیت و اعضای حل شده و بی چهره در سازمانهای چپ به مقابله برخاست و اعلام کرد که اعضا و فعالین حزبی باید به اسم خودشان بنویسند و مصاحبه کنند و کلاً ابراز وجود کنند. این بحثی بود که منصور حکمت در مقطع تشکیل حزب کمونیست ایران مطرح کرد و علناً در این باره نوشت و توضیح داد. او به ضرورت اسامی و امضای افراد در پای سیاستها و تحلیلها و نظرات منتشر شده از جانب احزاب و سازمانهای کمونیست تاکید کرد. این متد احزاب را و سیاستها و مواضعشان را متعین میکند، نشان میدهد که حزب مجموعه ای از افراد بی چهره و بی هویت نیست که گوئی همه در سازمان حل شده اند. تا آن زمان سنت رایج این بود- و در بعضی از سازمانهای چپ هنوز هم در سطحی این سنت پابرجاست- که اعضای

سازمانها هویت سیاسی بیرونی و علنی نداشته باشند و حتی رهبران سازمانها شناخته شده نباشند. یک دلیل این امر شرایط اختناق و مسائل امنیتی بود ولی این همه مساله را توضیح نمیدهد. میتوانستند با اسم مستعار بنویسند و اظهار وجود کنند. این بیش از مسائل امنیتی و مخفی کاری، نتیجه تلقی و نحوه تفکری بود که ابراز وجود فردی را با متشکل بودن و فعالیت جمعی متناقض

ادامه از صفحه ۱۲

هستند.

نکته دیگر بحث حزب و شخصیتها است. به نظر ما حلقه های رابطه حزب با جامعه شخصیتهای حزبی هستند و تاثیر گذاری بر تحولات و کارزارها اساسا از طریق شخصیتها انجام میشود. از همین رو امروز حزب ما از چهره های شناخته شده و محبوبی در عرصه های مختلف، و میشود گفت نبردهای مختلف، نظیر مبارزه علیه اعدام، علیه سنگسار، دفاع از حقوق پناهندگی،

دفاع از زندانیان سیاسی، در جنبش کارگری و غیره و غیره برخوردار است. ما حتی سعی کردیم این به یک فرهنگ عمومی در جنبش چپ و در جنبش کارگری تبدیل شود. امروز می بینید که جنبش کارگری در ایران دارای بیشترین چهره های فعال است و شخصیتها و فعالین شناخته شده و محبوبی در سطح کل جامعه دارد. بیست سال قبل چنین نبود. امروز نه تنها حزب ما بلکه جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی دیگر هم به این سمت حرکت کرده اند.

نکته آخر حقوق فرد در حزب ما است. ما معتقد به حل شدن اعضا در سازمان و تحت الشعاع قرار گرفتن فرد بوسیله سازمان حزب نیستیم. به فداکاری و از خود گذشتگی ارج میگذاریم اما سازماندهی حزب ما بر این اساس نیست. برای ما زندگی شخصی و اولویتهای شخصی و خانوادگی اعضا اهمیت دارد و این برایمان یک فاکتور مهم در سازماندهی افراد است. در تقسیم مسئولیتها نیز تمایل و انتخاب افراد اساس کار ماست. مسئولیتها در حزب ما بر مبنای قابلیت و استعداد و رضایت افراد تعیین میشود.

به این ترتیب نه تنها رو به جامعه بلکه در آئین نامه و در مناسبات درون تشکیلاتی هم ویژگیهای افراد برای ما مهم است. چه در جامعه و چه در حزب افرادی هستند که بالاخره میتوانند در سطح فرهنگی و اجتماعی و سیاسی

جلو بیفتند و ابتکارات و خلاقیت هایشان را نشان بدهند. به این ترتیب جامعه جلو میرود و پیشرفت میکند. حزب هم به همین ترتیب رشد میکند.

خلیل کیوان: شاید برگزاری علنی کنگره ها و دسترسی عمومی مردم به اعضای رهبری حزب و کمیته مرکزی حزب را هم باید در همین چارچوب نگاه کمونیسم کارگری به جایگاه افراد در نظر گرفت. نظر شما چیست؟

حمید تقوایی: دقیقا. این هم جزئی از همان تلاش ما برای معرفی چهره ها و معرفی افرادی است که سیاستها و مواضع معین حزب را نمایندگی میکنند. در کنگره ها نمایندگان و اعضای شرکت کننده سخنرانی و اظهار نظر میکنند، به قطعنامه های مختلف رای میدهند، از فعالیت هایشان در فاصله دو کنگره گزارش میدهند، در مورد نقاط ضعف و قوت حزب صحبت میکنند و همه آنها در برابر چشمان مردم انجام میگیرد. این جزئی از سیاست علنیت و شفافیت حزب است که با حلقه واسط و بوسیله فعالین حزب عملی میشود. به این ترتیب نه تنها جامعه در جریان مباحث و فعل و انفعالات درونی حزب ما قرار میگیرد بلکه با مواضع و عملکرد و نظریات اعضای حزب در این فعل و انفعالات نیز آشنا میشود. نتیجه این شفافیت و علنیت و اهمیت دادن به افراد، حزبی باز، معرفی و شناخته شده و در نتیجه کاملا قابل قضاوت و ارزیابی بوسیله جامعه است.

این تماما در مقابل سنت کمونیسم خاکستری و مه آلود و مکتبی قرار میگیرد که متأسفانه مبتلا به بسیاری از جریانهاست. کمونیسم کارگری از این نقطه نظر نیز کاملا خلاف جریان است.

خلیل کیوان: سؤال آخرم در مورد آزادیها و حقوق فردی در جامعه سوسیالیستی است. بعد از پیروزی و استقرار جامعه سوسیالیستی مورد

نظر شما حقوق افراد در چه سطحی به رسمیت شناخته میشود. آیا آزادی مخالفت با نظام سوسیالیستی هم وجود خواهد داشت؟

حمید تقوایی: حتما. ما به آزادیهای بی قید و شرط معتقد هستیم و این را عملی خواهیم کرد. هم امروز به عنوان اپوزیسیون این اصل را رعایت میکنیم و هم در فردای بقدرت رسیدن این را در جامعه به یک قانون سراسری تبدیل خواهیم کرد و عملی خواهیم کرد. آزادی بی قید و شرط یعنی آزادی حتی نقد کمونیسم و سوسیالیسم و مخالفت با دولت سوسیالیستی و مقامات مسئول در جامعه. ما معتقدیم که همه احزاب و سازمانهای سیاسی حتی اسلامی ها میتوانند فعالیت کنند. تنها شرط ما اینست که شریک جنایات جمهوری اسلامی نباشند که در این صورت بنابر قوانین جنائی باید محاکمه شوند و حساب پس بدهند. در غیر این صورت همه، هر درجه هم که با سوسیالیسم و کمونیسم مخالف باشند، و یا طرفدار نظام کاپیتالیستی باشند، آزادند سازمان و نهاد و رسانه خود را داشته باشند و فعالیت کنند. هر حزب و رسانه ای آزاد است و دیگر مساله "توطئه علیه نظام" و "به خطر انداختن امنیت ملی" و "توهین به مقدسات" و "توهین به رهبر" و غیره در نظام سوسیالیستی جایی نخواهد داشت.

چرا اینطور است؟ چرا از فعالیت مخالفین نظام سوسیالیستی واهمه ای نداریم؟ بخاطر اینکه آزادی و رفاه و برابری را برای همه شهروندان تامین میکنیم. تا جایی که دولت سوسیالیستی، که همان دولت متشکل از شوراهاست، مردم است، بتواند این آرمانهای انسانی را تامین کند و حتی مردم ببیند که جامعه به این سمت حرکت میکند و اگر مشکلات و موانعی هست واقعی و عینی است که دولت مشغول حل و برطرف کردن آنهاست، اگر جامعه ببیند که این نظام به سمت تامین رفاه عمومی و

تامین آزادی و برابری برای همگان حرکت میکند، آنوقت جریانها و احزاب مخالف پایگاهی نخواهند داشت و حاشیه ای و منزوی باقی خواهند ماند.

روشن است که نیروهای طرفدار سرمایه که قدرت سیاسی را از دست داده اند مدتها به زندگی سیاسی خود ادامه خواهند داد و تلاش خواهند کرد اوضاع را برگردانند. اینها میتوانند در شوراها فعالیت کنند و سعی کنند نیرو جمع کنند اما جامعه ای که بر سر درش نوشته شده از هرکس به اندازه توانش و به هر کس به اندازه نیازش در برابر این تلاش های واپسگرا مصونیت خواهد داشت. از همین رو ما نه تنها نگرانی ای از فعالیت احزاب مخالف نداریم بلکه آزادی فعالیت آنها را جزئی از پلانفرم سوسیالیستی تامین آزادیهای بی قید و شرط و عاملی در مقبولیت و مطلوبیت نظام سوسیالیستی، بویژه در جامعه ایران که همیشه با اختناق و سرکوب آزادیها مواجه بوده است، میدانیم.

همانطور که اشاره کردم نظام سوسیالیستی نظامی شورائی است و در شوراها میتواند نظرات و سیاستهای مختلفی بیان و مطرح شود و شوراها نهایتا بر مبنای رای اکثریت تصمیم خواهند گرفت. حزب ما هم حزبی در میان بقیه احزاب است که سیاست هایش را در شوراها مطرح میکند و به بحث میگذارد. ما مطمئن هستیم که در چنین مناسباتی، حتی اگر همین امروز و در دل جامعه سرمایه داری فعلی برقرار بشود، سوسیالیست ها اکثریت بالائی را با خود خواهند داشت.

۲۵ شهریور ۱۴۰۰ - ۱۶
سپتامبر ۲۰۲۱

گزارشی از اعتراض علیه طالبان و دولت های حامی آن در مقابل کنسولگری پاکستان در تورنتو

این آکسیون همبستگی زنان و مردان دو کشور را که چندین دهه است درگیر مبارزه با طالبان های ایران و افغانستان هستند به نمایش گذاشت.

زنده باد همبستگی مردم افغانستان و ایران علیه طالبان

زنده باد مبارزه زنان جسور افغانستان علیه طالبان

بابک یزدی

در این آکسیون بنر بزرگی از طرف حزب کمونیست کارگری و با لوگوی حزب در حمایت از زنان افغانستان حمل میشد که در آن با حروف درشت نوشته شده بود: "از مبارزات زنان افغانستان علیه طالبان حمایت کنیم!" این بنر را در طول کل آکسیون زنان و مردان جوانی از افغانستان در دست داشتند که نشان میدهد برای زنان و مردان افغانستان همبستگی چقدر اهمیت دارد.

به چگونگی وجود آوردن و پروارندن و به قدرت رساندن طالبان، ساقط کردنش بعد از ۱۱ سپتامبر و دوباره به قدرت رساندن آن توسط آمریکا و شایرک پاکستان اشاره کردند. شایرک شجری زاده نیز سخنران دیگری بود که به تجربه خود در مورد نقض حقوق زنان در ایران و افغانستان اشاره کرد. سخنران های دیگری از افغانستان نیز هر کدام به گوشه های دیگری از جنایات طالبان پرداختند.

هایش برعکس برخی از آکسیون ها علیه طالبان از شعارها و بنر های مذهبی و الله اکبر و لاله الله و حمایت از جریانات مذهبی خبری نبود. سخنران ها بیشتر بر حقوق برابر زن و مرد، جدائی دین از دولت، آزادی احزاب، حقوق شهروندی و آزادی های مدنی برای مردم افغانستان تاکید کردند. یدی محمودی، امیر زاهدی، و بابک یزدی از حزب کمونیست کارگری واحد شرق کانادا از جمله سخنرانان بودند که به انگلیسی و فارسی

روز پنجشنبه نهم سپتامبر آکسیونی در مقابل کنسولگری پاکستان در اعتراض به گروه تروریستی طالبان و دولت های حامی آن یعنی پاکستان و آمریکا و ایران برگزار شد.

در این آکسیون سخنران های مختلفی از ایران و افغانستان صحبت کردند. در این آکسیون از قبل صحبت و توافق شده بود که از شعارهای مذهبی خودداری گردد. در این کرد هم آبی و سخنرانی



از مدیای اجتماعی حزب

شماره اپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

تلگرام: telegram.me/wpi_hkki

اینستاگرام: www.instagram.com/wpi91

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran



به لباس دست زن

مقدم آن هستند و در خارج و داخل افغانستان مشغول سازمانیابی خود و جلب حمایت بین المللی هستند.

زنان و مردم افغانستان و ایران پیوند عمیق و همسرنوشتی عمیقی علیه دو جور طالبان شیعه و سنی دارند، از تجارب هم می آموزند و دارند همدیگر را تقویت میکنند.

کارزار به لباس من دست زن شایسته پشتیبانی عمیق زنان و مردم آزاده ایران و همه مردم آزاده دنیا است.

حزب کمونیست کارگری ایران

کارزار جالبی که توسط زنان و مردم آزاده افغانستان علیه قوانین طالبان شروع شده است. هر جا اسلامی ها به قدرت میرسند اولین اقدامشان جنگ با زنان و عقب راندن زنان و مشخصا تحمیل حجاب است. کاری که طالبان های ایران از ۴۲ سال قبل مشغول آن هستند اما مقابله با آنها چنان گسترده بوده و هر روز گسترده تر شده که عملا طرح های حکومت به درجات زیادی شکست خورده است. در افغانستان نیز خوشبختانه جنبش وسیعی علیه طالبان ها و قوانین متعجر آنها شروع شده که زنان در خط



ممنوعیت مدارس از دادن پرونده تحصیلی به مادران

بزرگ حکومت از مقاومت و اعتراض عظیمی است که میدانند در مقابلشان سر بلند میکند.

باید همه جا اعتراض کرد. از خانواده ها تا معلمان و همه زنان و مردم آزاده باید چنان تودهنی به حکومت بزنند که رسما و علنا وادار شوند این مقررات کثیف را فوراً ملغی کنند. هر قانون و مقرراتشان را باید با ایجاد گفتمان و طومار و تجمع و همراه کردن دیگران ناکام گذاشت. دوره پیشروی مردم است و دوره بحران هرچه عمیقتر و عقب رفتن و نهایتاً سرنگون شدن طالبان ها.

تردیدی نداشته باشید که مجبور میشوند عقب نشینی کنند.

در گزارشها آمده که مدارس از دادن کارنامه تحصیلی فرزندان به مادران خودداری می کنند. مادر یک دانش آموز به یک پیامک اشاره کرد که نوشته شده بود: «ضمن احترام! به همه مادران کارنامه فرزندان شما تنها به پدر یا جد پدری داده خواهد شد.»

ظاهراً طالبان ها و داعشی های حاکم این را در اردیبهشت تصویب کرده اند اما جرات نکرده بودند آنرا علنی اعلام کنند. و خود این نشانه وحشت

روز پنجشنبه، صدها باشندۀ محل قول اردوی سابق در شهر قندهار دست به تظاهرات زدند.



#حمایت_از_مردم_افغانستان

#هرگ_بر_طالبان

از فیسبوک محمد کاظمی

سابق به رویترز گفته اند که روز سه شنبه هزاران تن در اعتراض به این دستور طالبان در برابر ساختمان ولایت تظاهرات کردند.

تصاویر نشر شده از این تظاهرات در رسانه های اجتماعی نشان می دهند که معترضان جاده ای را در این شهر مسدود کرده اند

پس از آن که طالبان به باشندگان یک ناحیه مسکونی متعلق به اردوی افغانستان در قندهار دستور تخلیه دادند، هزاران تن روز سه شنبه علیه این گروه تظاهرات کردند.

طالبان از حدود سه هزار خانواده در ناحیه «فرقه کهنه» قندهار خواسته اند که خانه های شان را تخلیه کنند. مقام های

ادامه از مدیای اجتماعی حزب از صفحه ۱۷

اسماعیل بخشی در حمایت از جوانان گروه «سل لا» در دزفول



این گروه جوان و هنرمند بخاطر این اجرای زیبا توسط نهادهای انتظامی دزفول احضار شدند فرمانده انتظامی دزفول جوری میگه با آبروی شهر بازی کردن گویی این بچه‌ها رو از سر دیوار مردم پایین کشیده مرد حسابی وجود بی خیر خودتون باعث بی آبرویی شهره بعد به این جوان‌های هنرمند شهرمون که خیلی سنگین و رنگین نشستن زیبا نواختن و زیبا خوندن و تقدیم کردن به مردم تا وسط این همه بدبختی که شما براشون ساختید کمی دلاشون شاد بشه گیر دادن که آبروی شهر را بردن؟؟

و وقتی میگم آینده‌ی تباه مردم افغانستان را ما زیسته ایم بخاطر همین.

کلیپ کامل این موزیک ویدئو تقدیم به مردم عزیز و درود به گروه «سل لا» دمتون گرم کارتون عالی بود ازتون حمایت می‌کنیم همینجوری ادامه بدین مردم دوستون دارن

#تورم_فساد_مهيار_شود_نه_موسیقی

قبل از انتخابات با تلو برای

دادگاه بین المللی مردمی آبانماه بزودی برگزار میشود.



که در ماه آبان جان بدربرندگان از شکنجه و خانواده زندانیان و جانبختگان آبان ۹۸ نیز به این شکل در دادگاه حضور خواهند داشت و دنیا صحبت هایشان را می‌شنود.

دادگاه بین المللی مردمی آبان از تاریخ ۱۹ الی ۲۳ آبان ۱۴۰۰ برابر با ۱۰ الی ۱۴ نوامبر ۲۰۲۱ در شهر لندن انگلستان برگزار خواهد شد. شرکت برای عموم آزاد است. از شما دعوت میکنم در این دادگاه شرکت کنید تا همه با هم صدای دادخواهی معترضین #آبان۹۸ و خانواده هایشان باشیم.

متخصصین و یکی از شاهدان گوش دادم.

به صحبت‌های زنی گوش دادم که از طریق اینترنت در دادگاه حضور داشته و در رابطه با شکنجه خود و هم کمپ هایش صحبت کرد. این زن در حالی که گریه میکرد از طریق مترجم در رابطه با جزئیات شکنجه های جسمی و روانی صحبت کرد. صحبت‌های دردناک و غم انگیز بود. با خودم فکر میکردم که درد زبان مشترکی دارد و بازگویی و شنیدن تجارب شکنجه در هر جای دنیا که باشد در قلب آدم نفوذ میکنند. به این فکر میکردم

روز سه شنبه ۱۳ نوامبر برابر با ۲۲ شهریور به ساختمانی در مرکز شهر لندن رفتم که قرار است دادگاه مردمی بین المللی آبانماه برگزار شود. به دعوت آقای حمید صبی که حقوقدان و عضو هیئت دادستانی دادگاه آبان نیز خواهد بود در آنروز به آنجا رفتم و از نزدیک با ایشان صحبت کوتاهی داشتم. روز سه شنبه دادگاهی در رابطه با مردم اویغور که توسط دولت چین شکنجه شده بودند برگزار شد که آقای صبی نیز عضو هیئت دادستانی این دادگاه بود. در سالن دادگاه برای چند ساعت حضور داشتم و به صحبت‌های



مبارزه در افغانستان است که با سر کار آوردن طالبان گسترش یافته‌است. زنده باد جنبش‌رهایی زن در ایران و افغانستان (طرح از بهنام محمدی)

جنگیده و فرسنگ‌ها جلو آمده‌را عقب‌براند. فکر میکنند می‌توانند این نیروی قدرتمند اجتماعی را به عصر حجر برگردانند. شاید همین چنین فکر نمی‌کنند تا حکومتند باید ادعای قدرت کنند. اما مردم در همه سنگرها جلو آمده‌اند و این حکومت است که گام به گام عقب‌نشسته و جرات خیلی کارها را ندارد.

این جدال خیابانی نماد پیشروی جنبش سرنگونی و جنبش‌رهایی زن و رهایی جامعه از وحوش اسلامی است. جبهه دیگر این

باز هم طلبه فضول را کتک زدند

فحاشی مادرش مواجه شدم. به گفته وی، در ادامه این درگیری، همسر زنی که کشف حجاب کرده بود، به این طلبه و همسر او با باتوم حمله کرد. هفته قبل نیز خبر مشابهی در رسانه‌های جمهوری اسلامی منعکس شده بود و این تنها گوشه‌ای از اتفاقات مشابهی است که هر روز در هر شهر و محله و فروشگاهی که مزدوران امر به معروف‌دخالت‌میکند حسابشان کف‌دستان‌گذاشته‌میشود.

فکر کرده‌اند می‌توانند زنان و جامعه‌ای که ۴۲ سال جانانه علیه آنها

این نمودی از یک جدال وسیع و اجتماعی بر سر حجاب و بر سر همه چیز است یک طلبه جوان و همسرش در یکی از فروشگاه‌های مهرشهر کرج به علت امر به معروف و نپی از منکر به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. طلبه‌ای که در امر شخصی یک زن دخالت کرده می‌گوید: بعد از دیدن کشف حجاب یک زن جلو رفتم و به ایشان تذکر دادم که «خانم محترم، لطفاً حجابتان را رعایت کنید» که با لحن تند آن خانم و

اطلاعیه های حزب



اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در باره فصلی جدید در همبستگی مردم ایران و افغانستان!



در این راه فرا میخواند.

منتقل کنند.

زنده باد همبستگی مردم ایران و افغانستان!

مرگ بر طالبان چه کابل چه تهران!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ شهریور ۱۴۰۰، ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۱

حزب کمونیست کارگری همبستگی بین مردم ایران و افغانستان در هفته های اخیر را سخت گرامی میدارد و تمام تلاش خود را بکار خواهد بست تا این همبستگی هرچه گسترده تر و محکمتر گردد و همه فعالین سیاسی آزادیخواه چه در ایران و چه در افغانستان را به همراهی و تلاش مشترک

مردم ایران حمایت از مردم افغانستان در مبارزه شان علیه طالبان و کمک به آنها در عین حال وجهی از مبارزه خود علیه جمهوری اسلامی میدانند.

این فصل جدید در همبستگی مردم ایران با افغانستان بی شک یک فاکتور مهم سیاسی را روشنتر از همیشه وارد عرصه سیاست کرده است. عامل همبستگی و اتحاد و مبارزه مشترک مردم منطقه بر علیه اسلام سیاسی متعفن دولتهای موزائیکی و سیاست های قومی و مذهبی ارتجاعی از افغانستان و ایران گرفته تا عراق و لبنان و غیره. همچنین این همبستگی شورانگیز مردم ایران با مردم افغانستان تکیه گاه مهمی خواهد بود برای گسترش مبارزه جهت ارتقاء حقوق پناهندگی و بویژه مبارزه با سیاست های ارتجاعی و ضد بشری جمهوری اسلامی بر علیه میلیونها شهروند بی حقوق افغانستانی که در ایران این همبستگی میتوانند تکیه گاه مهمی برای بسط مبارزه مردم افغانستان علیه طالبان جانی باشند. مردم و فعالان سیاسی ایران تجربیات سیاسی زیادی در امر تشکل و سازمانیابی و مبارزه علیه حکومت اسلامی دارند که میتوانند به همسرانشان افغانستانی خود

نشانه هایی از شروع فصلی جدید و مبارک در همبستگی و همدردی مردم دو کشور با یکدیگر است که می تواند و باید گسترده تر و مستحکم تر گردد و بعنوان یک فاکتور مهم سیاسی در تحولات افغانستان و ایران تاثیر گذارد.

مردم ایران که بیش از چهار دهه است با طالبان حاکم بر ایران دست و پنجه نرم میکنند بی تردید بیش از هر جای دیگر غم جانگناه مردم افغانستان را با گوشت و پوست خود لمس میکنند و با هموعان افغانستانی احساس همدردی و همسرنوشتی دارند. اما چنین ابراز همبستگی گسترده با مردم افغانستان توسط مردم ایران در عین حال اعتراضی به جمهوری اسلامی و حکومت سیاه ملاها بر ایران است. در ایران جنبش سرنگونی ای تقریباً به قدمت خود رژیم اسلامی وجود دارد که بویژه در دهه گذشته هردم ابعاد و قدرت گسترده تری گرفته است. مردم ایران نه فقط بخاطر نوع دوستی و انسانیت و یا احساس همدردی و هم سرنوشتی با مردم رنج کشیده افغانستان بلکه علاوه بر آن بخاطر بسط مبارزه خود علیه حکومت اسلامی است که چنین فعال در میدان حمایت از مبارزه مردم افغانستان علیه طالبان و کمک به گسترش آن پای گذارده اند.

در کنار اخبار شوم و وحشتناکی که در هفته های اخیر از به قدرت برگرداندن طالبان در افغانستان رسیده و دل مردم جهان را به درد آورده است، اخبار مربوط به اعتراض و مبارزه مردم افغانستان، بویژه زنان جسور کابل و دیگر شهرها بر علیه طالبان و همینطور اخبار مربوط به همبستگی مردم جهان با این اعتراضات و مقاومت ها موجی از امید و غرور برانگیخته است. در این میان حمایت شورانگیز مردم ایران از مردم افغانستان و مبارزه شان علیه طالبان برجستگی و جایگاه خاصی دارد.

در تظاهرات ها و اجتماعات چند شهر در ایران، در اعتراضات و گردهمایی های گوناگون در شهرهای مختلف جهان و همینطور بویژه در فضای مجازی، مردم ایران بطور بی سابقه و گسترده ای به حمایت از مردم افغانستان برخاستند و شعارهایی چون "مرگ بر طالبان چه کابل، چه تهران" و یا "امارت اسلامی نمیخواهیم" بطور وسیعی طنین افکنده شد. ما شاهد صحنه های پرشوری نظیر این بودیم که شهروندان ایرانی برای پذیرایی از افغانستانی هایی اعلام آمادگی میکردند که در اعتراض به طالبان کشور را ترک میکردند. این شواهد بی تردید

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۹

ترس جمهوری اسلامی یکسال بعد از اعدام نوید افکاری

تلخیص اطلاعیه کمیته بین المللی علیه اعدام

در اولین سالگرد اعدام نوید افکاری، روز یکشنبه ۲۱ شهریور ۱۴۰۰ برابر ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۱ جمهوری اسلامی اقدام به دستگیری برادر وی سعید افکاری کرده است. وی در ورودی شهر شیراز توسط نیروهای لباس شخصی همراه با ضرب و شتم بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. همچنین گفته می شود که در زمان بازداشت سعید افکاری نیروهای امنیتی اقدام به ضرب و شتم الهام افکاری، خواهر او نیز کرده اند. یک روز قبل از دستگیری سعید افکاری وی با انتشار توثیقی اعلام کرده بود که نیروهای امنیتی خانواده افکاری را تحت فشار قرار داده و در تلاش برای جلوگیری از برگزاری مراسم سالروز اعدام نوید افکاری هستند. در پی انتشار این توییت، حساب

شخصی سعید افکاری از دسترس خارج شده است. یکسال بعد از اعدام جنایتکارانه نوید افکاری جمهوری اسلامی چنان از نوید و خانواده وی می ترسد که حتی نمی گذارد مراسمی به یاد او برگزار شود. دو برادر نوید یعنی وحید و حبیب افکاری به اتهامات پوچ و ساختگی همچنان در زندان هستند. جمهوری اسلامی در اولین سالگرد اعدام نوید به تبلیغات نخ نما و وقیحانه برای موجه جلوه دادن اعدام نوید روی آورده است. پخش گزارشات کذب و اعترافاتی که به قول خود نوید زیر شکنجه های شدید از او گرفته شده بود. کسی به این تبلیغات چندش آور و بی شرمانه جمهوری اسلامی باوری ندارد. دقیقاً به همان دلیل که معلوم شد اعترافات اجباری گرفته شده از مازیار ابراهیمی هیچگونه اعتباری نداشت و

بعد خودشان هم قبول کردند که وی در قتل "دانشمندان هسته ای" جمهوری اسلامی هیچ نقشی نداشته است و وی را آزاد کردند.

جمهوری اسلامی با قساوت تمام نوید را در حالیکه هنوز امید به زنده ماندن داشت در صبح روز شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۹۹ در زندان عادل آباد شیراز اعدام کرد. به او و خانواده اش حتی اجازه دیدار آخر هم ندادند.

یکسال پس از قتل نوید افکاری هنوز این رژیم جنایتکار از نام نوید وحشت دارد. جمهوری اسلامی دو برادر دیگر نوید یعنی حبیب و وحید را در گروگان خود دارد و مرتباً خانواده افکاری را تحت فشار می گذارد تا دیگر اسمی از نوید نبرند. اما نوید به قهرمان مردم تبدیل شده است. او تکیه گاهش مردمی بود که این رژیم

را دیگر نمی خواهند. وقتی که سخن می گفت از همین مردم حرف می زد و دغدغه اش همین مردم بود. او برای بهتر کردن زندگی خود و مردم به خیابانها رفت و به همین دلیل توسط جمهوری اسلامی کشته شد. او به قول مادرش بنا بود، کشتی گیر بود، هنرمند بود، نقاشی می کرد و خیاطی هم بلد بود و هر جا که می بود با انرژی زیادش مردم را به وجد می آورد.

ما همراه با خانواده نوید افکاری اعلام می داریم که همه داد خواهیم داد خواه خون نویدها، پویاها، پژمان ها، ستار بهشتی ها، غلام کشاورزها، مختاری ها و پوینده ها، رامین حسین پناهی ها و لقمان زاینار مرادی ها، روح الله زم ها و فرزند کامانگراها، ریحانه جباری ها و شهلا جاهد ها، شرفکندی ها و هزاران انسان دیگر هستیم که قربانی توحش

رژیم اسلامی شدند.

ما خواهان آزادی فوری سعید افکاری و همچنین وحید و حبیب افکاری و کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی هستیم. جنبش دادخواهی ما تا روز محاکمه همه سران قاتل جمهوری اسلامی و سرنگونی این رژیم جنایتکار ادامه خواهد داشت. راهی که نوید افکاری پیمود در آبان ادامه یافت و امروز هم صدای اعتراض علیه جمهوری اسلامی در همه جا بلند است و به آبان دیگری فراخوان می دهد. آسانی که نوید دهنده آزادی و زندگی انسانی برای مردم ایران باشد. یاد نوید افکاری همیشه عزیز و گرامی است!

۲۱ شهریور ۱۴۰۰ - ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۱

جمهوری اسلامی پیکر خالو میرزا حسین پناهی را ربود!



شب گذشته (۱۵ سپتامبر) مردم سنندج با اجتماع خود موفق شدند که جسد ربوده خالو میرزا حسین پناهی (پدر رامین حسین پناهی) که توسط جمهوری اسلامی ربوده شده بود را پس بگیرند و خود این پدر رنج دیده و مبارزه را به خاک بسپارند.

جمهوری اسلامی با ربودن پیکر بی جان خالو میرزا می خواست از ازدحام مردم جلوگیری کند ولی این اقدام شنیع و ضد انسانی به ضد خود تبدیل شد و مردم به صحنه آمدند و یکبار دیگر پوزه این رژیم را به خاک مالیدند. زنده باد مردم سنندج و گرامی باد یاد و خاطره خالو میرزا حسین پناهی، جمهوری اسلامی پیکر خالو میرزا حسین پناهی را ربود!

بدنبال مرگ خالو میرزا حسین پناهی پدر زنده یادان اشرف و رامین حسین پناهی، جمهوری اسلامی اقدام به ربودن پیکر این پدر مبارز و زجر دیده کرده

ترجمه پیام امجد حسین پناهی به مردم سنندج، منطقه لیلخ و مردم کردستان!

مردم منطقه لیلخ و شهر سنندج! مردم کردستان!

همانطور که مطلعید پدر من بعد از سالها اذیت و آزار جمهوری اسلامی و بعد از مدتها دست و پنجه نرم کردن با بیماری امروز در بیمارستان توحید شهر سنندج فوت کرد. بلافاصله بعد از فوت پدرم وزارت اطلاعات و

نیروهای امنیتی جنازه پدرم را دزدیدند و می خواهند با فشار به خانواده من هر طور شده همین امشب او را خودشان دفن کنند. برای همین من از مردم شهر سنندج، از حامیان خانواده ما می خواهم امشب خانواده من را تنها نگذارند، اجازه ندهید جنازه پدر من را اینجوری بدزدند و خودشان خاک کنند. (جمهوری اسلامی هنوز جنازه برادر امجد یعنی رامین حسین پناهی را که اعدام کرده تحویل این خانواده نداده است). اگر جمهوری

کمیته بین المللی علیه اعدام ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۱

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۲۰

اولین کنفرانس هماهنگی نهاد زنان علیه طالبان با موفقیت برگزار شد

با قدرت گرفتن طالبان در افغانستان، اولین قربانیان زنان هستند و در طول یک ماه گذشته، زنان در شهرهای مختلف افغانستان بپا خاسته و اعلام کردند که این حکومت را نمی‌خواهند و با شجاعت کامل در مقابل رسانه‌های بین‌المللی صدای زنان و مردم افغانستان را به گوش دنیا رساندند.

ما ششصد نفر امضا کنندگان بیانیه زنان علیه طالبان، اکنون خود را سازمان می‌دهیم و اعلام می‌کنیم که در سراسر جهان نمایندگانی خواهیم داشت و همواره صدای دادخواهی زنان افغانستان خواهیم بود.

این نهاد تا کنون با برگزاری چند کنفرانس مطبوعاتی و کمک به انتقال خبرنگاران و فعالین علیه طالبان کوشش کرده که در شرایط بحرانی، به یاری کسانی بشتابد که جانشان در خطر است.

ما بر برگزاری میتینگ‌هایی در شهرهای مختلف، کوشش کردیم که مردم را در کشورهای مختلف به خیابان آورده و بگوییم که طالبان باید برود و هیچ دولتی نباید این جانان را به رسمیت بشناسد.

نهاد زنان علیه طالبان، خواهد کوشید صدای زنان و مردم و افغانستان صدای همجنسگرایان و آتیست‌ها در افغانستان را در دنیا منعکس کند.

ما با سازمانها و دولتها و نهادهای بین‌المللی تماس خواهیم گرفت و از آنها می‌خواهیم که کمک‌های مالی به مردم و افغانستان و بویژه زنان در افغانستان را از طریق نهادهای مردمی و از جمله نهاد زنان علیه طالبان به دست مردم در افغانستان برسانند.

نهاد زنان علیه طالبان خود را متعهد می‌داند که تا سرنگونی و کنار زدن این حکومت فاشیست و ضد زن، در کنار مردم افغانستان بماند و از هر اقدامی در جهت کمک به مردم امتناع نکند.

ما روز ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام را روز نه به طالبان اعلام می‌کنیم و سعی خواهیم کرد حداقل در صد شهر جهان میتینگ‌هایی را در دفاع از زنان در افغانستان و علیه طالبان سازمان دهیم.

تا آن زمان با برگزاری کنفرانس‌های مطبوعاتی در کشورهای مختلف و تماس با دولت‌ها سعی خواهیم کرد تعداد بیشتری از زنان و خبرنگاران در خطر را به کشور امن منتقل کنیم.

نمایندگان این نهاد در کشورهای مختلف بزودی خود را معرفی کرده و خواهیم کوشید دسترسی به خودمان را برای شما راحت تر کنیم.

زنان آزاده افغانستان و مردم شریف دریند در افغانستان به ما پیوندید و کمک کنید تا در این دوران خطرناک از تاریخ افغانستان صدای آزادی خواهی و مدرنیته و دفاع از حقوق جهانشمول و حقوق زنان را در دنیا بلند تر کنیم.

بیانیه مهم ده‌ها نفر از فعالین مدافع حقوق زنان از افغانستان و ایران و آلمان و انگلیس، در دفاع از حقوق زنان در افغانستان و علیه طالبان! همراه شوید!

زنان علیه طالبان!

با قدرت گرفتن مجدد نیروی ارتجاعی و ضد زن طالبان در افغانستان، همه مردم دنیا از این حرف میزنند که اولین قربانیان این حکومت، میلیونها زن هستند.

هنوز چند روزی از قدرت گرفتن این جریان ارتجاعی نگذشته که فرمان ازدواج کودکان دختر و محبوس شدن زنان در خانه‌ها و تحمیل حجاب اجباری و قوانین اسلامی از طرف مسئولین این باند مطرح میشود و کم‌کم هر جا که امکانش بوده تعرض به زنان و دختران را آغاز کرده‌اند. ما نه فقط بسیار نگران امنیت و حق زندگی کردن و حرمت انسانی زنان در افغانستان هستیم، بلکه در عین حال خود را موظف میدانیم کاری در مقابل این جریان ارتجاعی انجام داده و زنان افغانستان را تنها نگذاریم.

ما امضا کنندگان این بیانیه، خود را موظف می‌دانیم که:

- ۱ - کمک کنیم زنانی که بدلیل فعالیتهای نا کنونی خود جانشان در افغانستان در خطر است، به یک کشور امن منتقل شوند.
- ۲ - به دولتهای غربی و همه دولتها اعمال فشار کنیم که طالبان را به رسمیت نشناسند. اینها حکومت مردم افغانستان نیستند، دشمنان و قاتلین زنان و همه مردم هستند. اینها دشمنان هر نوع تمدن و مدنیت هستند.
- ۳ - در سراسر جهان شبکه‌ای از معترضین به طالبان سازمان دهیم و صدای زنان افغانستان را به گوش جهانیان برسانیم.
- ۴ - ما باید کاری بکنیم که طالبان جرأت نکند قوانین زن ستیزانه و جنایتکارانه‌اش علیه زنان را عملی کند.
- ۵ - با برگزاری میتینگ و تظاهرات در سراسر جهان، توجه افکار عمومی را به موقعیت زنان در افغانستان جلب کرده و هر نوع تعرض به زنان در افغانستان را در دنیا افشا کرده و علیه آن صفی از مردم مترقی و مدرن را سازمان دهیم.
- ۶ - از همه سازمان‌ها و مدافعین حقوق زن و از همه مردم انساندوست و آزاده از افغانستان و در سراسر جهان دعوت می‌کنیم به ما پیوسته و یک صف منسجم علیه طالبان و در دفاع از زنان و مردم افغانستان سازمان دهیم.

آدرس برای تماس:

سیامک بهاری siabahari@gmail.com

مینا احدی minaahadi26@gmail.com